

انقلاب الجزایر و پیام آن در صفحه ۲
گزارشی از ماهها مبارزه و همبستگی کارگران کارخانه تکنوکار در صفحه ۳
مذاکرات نمایندگان مجاهدین با ابو جهاد در صفحه ۱۱
دانشگاه و انقلاب در صفحه ۲

سال اول (شماره ۸) - دوشنبه ۲۷ ماه آبان ۱۳۵۸ - شماره ۱۵ ریال

گزارش و تحلیلی از جامعه انزلی

خبرگان در ترازوی داوری

آیا انتظار دارید به مواردیکه پدر خالقانی نیز برای مخالف داده، مردم رأی مثبت بدهند؟

کند. " اگر چه ما همیشه بر این عقیده بودیم که عقاید رهبری شما فراتر از وابستگی به جمعیت و حزب بخصوصی بوده، با اینهمه در جریان انتخابات ما شاهد دخالت های غیر قانونی و گسترده خراب و جناح های بخصوصی بودیم که آنها را طرف نموده مردم را تحت نام شما به راهی دادن به فهرستی امید داشتند که در واقع امر انتخابات را به انتصابات تبدیل مینمودند ...
مجموعه این دخالتها و محدودیتها هم اکنون مارا با مجلسی مواجه ساخته است که به جز شمار قلیلی از علما و افراد شرکت کننده در آن فاقد نمایندگیان طرز تفکر انقلابی نسل جوان و روشنگر مسلمان است ...
مجلسی که طبعاً "تفاهد" نتوانست چنانکه باید حیاتی ترین خواست های توده مسلمان در چهار چوب تدوین یک قانون اساسی و مردمی پاسخ دهد ... پس چرا هی جز این نماینده ها که خواست های خود را با اطلاع امام برانیم، " باشد که تحت رهبری و آرثادات و نظارت شایسته ایشان " قانون اساسی داشته باشیم که مردم بویژه جوانان انقلابی به شایسته و کمال از این استقبال نموده، و اسباب سر بلندی همه و بخصوص شخصی ایشان در قبال خدا و خلق و نسلهای آینده باشد ...
مهمترین این خواستها که طی ۲۱ ماده خلاصه شده و در مطبوعات نیز منعقد گردیده تصویب به محتوای ضد استبدادی و ضد استعماری جمهوری اسلامی منظور و انگاشتی است به سمت جامعه برپا استقامت و بی طبقه بود، که می بایست از طریق نظامی شورایی که در آن کارمندی ارزش بوده و با مردم در تمام مسلمانان همافزایی به رسمیت شناخته شده باشد، تحقق پذیرد ...
نظامی که در آن " حقوق حقه " ملت ها " یعنی برترتیب و اداره امور داخلی خود در چهار چوب وحدت و تمامیت تجزیه ناپذیر جمهوری اسلامی ملحوظ و از بقیه در صفحه ۲

تاسیسات به نام انزلی
مجاهدین خلق ایران شهادت در ایران مظلوم
صنایع راه تمام مردم ایران و نه ویژه همه
فرزندان در باطل کوچک خان در انزلی
تاسیسات مستقیمند.

اگر حقوق صنفی صیادان را قبول نمیکنید،

حق هم ندارید با گلوله و سلاح بانان پاسخ دهید

راه های بیان خواستهای مردم را سد نکنید و شیوه های مسالمت آمیز را به بن بست نکشاند

تک به لحاظ وجود انواع ماهی بسیار غنی است، از جهت اقتصادی نیز همواره یکی از منابع اصلی درآمد و وسیله تغذیه و گذران مردم کناره های خزر بود است. در نتیجه مانند سایر منابع ثروت طبعاً "مسئله صید" شامل به عنوان یک وسیله عارت مورد توجه خود داری کنند. دوروز قبل از پایان مهلت تعیین شده صیادان شرکت تعاونی یادشماره قبلی شیلات شروع به صید ماهی میکنند. صیادان آزاد برای امتزای به این عمل از کار شیلات جلوگیری کرده، و در حالیکه منتظر نمایندگان خود میباشند مذاکرات ایشان بودند با کامیون حاصل ماهی صید شده از جانب شیلات مواجه نشود. اینان ضمن امتزای به نقض "تعمد" خود داری از ماهیگیری " ماهی ها را بین مردم تقسیم میکنند. پاسداران ستر در شیلات حاضر به خنوتی نیستند. شیلات از پاسداران انزلی کمک خواسته و پاسداران امرای، تحت تاثیر جو تحریک آمیز شیلات، برای متفرق کردن مردم صیادان به تیراندازی مینمایند این جوانان بگفته شدن دوسواد و خروج چند تن تصادفی دیگر خارجا چندین ماه و سبب حتم صیادان شده، و منجر به آتش کشیدن چند تن و توبیخ و قسمتی از ساختمان شیلات میشود. بعد از این واقعه شورای امنیت شهر تصمیم به خروج پاسداران از شهر میگیرد. اما بنا به طلی که ذکر خواهد شد از سوی ما تصمیم گرفته میشود که پاسداران در شهر باقی بمانند. نظارتها و روز بعد حالت گسترده تری بخود میگردد. جو انفجار آمیز تر میشود. چندین نفر کشته و در حدود ۵۰ نفر زخمی میشوند. در این واقعه نیز در جریان آزار پاسداران از رشت هم پاسداران کشته میشوند.

انقلاب چیست و انقلابی کیست؟

ضرورت تعیین مجدد مرز انقلاب و ضد انقلاب در شرایط بعد از پیروزی قیام در مکتب توحید زوال طبقات استعمارگر، حاکمیت مستضعفین و تحقق قسط

دارند ۱۱ - از این مفاصل فریاد طلب مظلوم - الحال که میگذریم، بزنی بر نمی خیزم واقف قطب مخالف آن، یعنی ضد انقلاب روشن نیست، بطوریکه این افراد علی- رغم بدافتشان، بسادگی دست مرتجعین و انحار طایفان سرکوبگر قرار میگیرند. و بدلیل ناگامی آنها - استما کمال حسن نیت - حاضر میشوند و نقشه ها و توطئه های مرتجعین را جاه - عمل بیوفتند !!
بدینوسیله است که دستا خیرچندان متعسف مسئول نیستند، چرا که سعی در منافع استعمارگرانه مرتجعین ندارند. از این رو در صورتی که به آنها کاهی داده شود، فریب ارتجاع را نخورد و با آن هم صدا بخواند ...
مرز انقلاب و سازش در دوران دیکتاتوری
الته در دوران رژیم ضد خلقی شاه، بخصوص در اوج عقان و دیکتاتوری که اکثر کسب جرات ندانند، و نیز با سازش مرتزاقان با ضد انقلاب، و نیز با سازش بقیه در صفحه ۴

نگاهی به تاریخچه شیلات از آغاز تا پیروزی قیام

شرح حوادث در کربهای عوین انزلی که در آن حدودی به روشن شدن جریان امر کمک میکند. ولی برای پی بردن به علل آن و روشهایی که پاسداران مختصراً به سوابق تاریخی ساله اشاره شود. آبهای ایران در شمال علاوه بر ...
تاریخچه شیلات از آغاز تا پیروزی قیام
شرح حوادث در کربهای عوین انزلی که در آن حدودی به روشن شدن جریان امر کمک میکند. ولی برای پی بردن به علل آن و روشهایی که پاسداران مختصراً به سوابق تاریخی ساله اشاره شود. آبهای ایران در شمال علاوه بر ...
تاریخچه شیلات از آغاز تا پیروزی قیام
شرح حوادث در کربهای عوین انزلی که در آن حدودی به روشن شدن جریان امر کمک میکند. ولی برای پی بردن به علل آن و روشهایی که پاسداران مختصراً به سوابق تاریخی ساله اشاره شود. آبهای ایران در شمال علاوه بر ...

همچنین کربسند کسانی که عمری را به رزم خودی " تقیه " و سکوت و در حقیقت به سازش با رژیم پشیمان گذرانده و لحظه ای و ذریای رنج انقلاب را بخود ندادند، و حتی در سایه طاقت زمان در رفاه و نعمت آرمیدند، اما اکنون در شب " انقلابی " میسوزند، و با به اصطلاح " مخالفین انقلاب " سرچنگ و سستیز میباشند !!
همچنین کربسند کسانی که عمری را به رزم خودی " تقیه " و سکوت و در حقیقت به سازش با رژیم پشیمان گذرانده و لحظه ای و ذریای رنج انقلاب را بخود ندادند، و حتی در سایه طاقت زمان در رفاه و نعمت آرمیدند، اما اکنون در شب " انقلابی " میسوزند، و با به اصطلاح " مخالفین انقلاب " سرچنگ و سستیز میباشند !!

نگاهی به تاریخچه شیلات از آغاز تا پیروزی قیام
شرح حوادث در کربهای عوین انزلی که در آن حدودی به روشن شدن جریان امر کمک میکند. ولی برای پی بردن به علل آن و روشهایی که پاسداران مختصراً به سوابق تاریخی ساله اشاره شود. آبهای ایران در شمال علاوه بر ...

برداشتنهای از خطبه عرینج البلاغه (قسمت چهارم)

مفهوم واقعی "وسط" و "طریق الوسطی" در فرهنگ اصل قرآنی
بطور کلی واژه "وسط" در فرهنگ قرآنی معنای بهترین و درست ترین است (التوسط). این واژه در مواردی که در قرآن آمده، دقیقاً همین معنی بکار رفته است. مثلاً "درود قلم آیه ۲۸ سخن از صلح و برادری است که فرید کقوم بیان آید که مبارات "وسطی" توجیه شده است.
"فان از تنظیم اقل اقل لکم اولی تشبیه" این بهترین و صالح ترین پیرو دگرا را تشبیه میکند؟ "فانوا شیعان ربنا ان کانوا ظالمین" گفتند منزله است پیرو دگرا همانا که از استکاران بودیم. و با در آیه:
"و ظلمناکم ایة وسطا لیکونوا شیعاه علی الناس" ما شما را بهترین و متکامل ترین است فرارادیم، و نامتونه و الکوبی برای تمام مردم باشد. (سوره بقره بقیه در صفحه ۴

مباحث ایدئولوژیک

اهمیت شیوه های مناسب و اصولی در مبارزه انقلابی - مکتبی
در شماره قبل گفتیم که امام علی (ع) در مقابل راههای انحرافی راست و چپ و در چه روانه در " طریق الوسطی " کامیاب - سیدار، یعنی راه انقلابی و اصولی کار را یک طرف مرحله ای بودن کار را در نظر میگیرد و از طرف دیگر فضای را بطور قاطع حل مینماید. اکنون برداشتهای خود را از این خطبه دریاست میکنم:
و درستی و چهرویی در حقیقت چیزی جز گریز راحت طلبانه و ساده اندیشانه از مشکلات و موانع نیست. حال آنکه در یک سطر اصولی و انقلابی (طریق الوسطی) با تضادها و مسائل بطور همه جانبه و واقع گرایانه و علمی برخورد میشود. پیدا کردن خط اصولی در هر شرایط مستلزم تحلیل مشخص از آن شرایط است. از اینرو کسانی که شناخت درست و آرزویی

گفتگو با یار در مجاهد موسی خیابانی

چه کسانی به شایعه وجود اختلاف و انشعاب در سازمان مجاهدین خلق دامن میزنند؟

فندان یک جهان بینی و ایدئولوژی که از عمق و حقیقت برخوردار باشد، عامل درجه اول جناح بندی و انشعاب است

در پی شایعات مربوط به وجود جناح بندی در درون سازمان مجاهدین خلق ایران، با یار در موسی خیابانی، گفتگو نشستیم. متن زیر نتیجه این گفتگو است که در دو شماره آن را منتشر میکنم:

سوال - بنظر شما منشأ و مبداء این شایعات چیست؟
جواب - همانطوریکه اشاره کردید چنین شایعه ای بطور کلی گسترده ای مطرح شده، و بخصوص به از اختلاف ستاد مرکزی جنبش ملی مجاهدین و سبب بدان دامن زده شده است.

التیاس بین اولین بار نیست که شایعاتی بر علیه سازمان ما برآمده است. شایعه - سازی و دروغ پرانی بر علیه یک نیرو و جریان انقلابی از روشهای شناخته شده جریانهای انحرافی و ارتجاعی است. منتها روش و سبب ما این نبوده و نیست که در هر موردی در صدد توضیح و رفع اشکالات وارد شایعات خود باشیم. چرا که این به اصطلاح دهن به دهن شدن با عناصر و جریانهای مغرض موجب هرز رفتن نیروها و انرژیهای بقیه در صفحه ۴



خبرگان در ترازوی داوری

هر جهت به آنها اعاده گردد. آخر استقبال مردم از جمهوری اسلامی و فریاد همباین خاطر بود که بسا یک محتوای حقیقتاً اسلامی تحقق پذیرد، نه اینکه از اسلام و انقلاب فقط استناد شود. پس شمار ما در آن موقع این بود که: جمهوری اسلامی را می‌سوزانند، استفاده از تاجی از اسلام هرگز...

همین دلیل محتوای ضد استبداد - دی و ضد استعماری و جوهر ضد استعماری جمهوری را از آغاز بطور مشروح در برنامه حداقل خود مشخص کرده‌ایم و برای ما، پس طبیعی است که اکنون خبرگان را در همین ترازوی داوری کنیم.

آیا انتظار دارید بمصوبات مجلسی که در آن نظام توحیدی کفر و زندقه محسوب می‌شود، رای مثبت داد؟

سوال اینست که آیا مصوبات خبرگان باین خواست ما پاسخ می‌دهند؟ و اگر پاسخ مثبت ندهند، میتوان در رابطه با این مصوبات در کار در یکساله انقلابی مردمی انتظار موافقت برای مثبت داشت؟ بگذارد همه افراد بالنسبه آگاه و مسرف را مخاطب قرار داد و سؤال کنیم که باین ترتیبی که تساهل خبرگان پیش رفت، آیا باقی اسباب سرفرازی این انقلاب و این مکتب بوده‌است؟

اینجا است که میتوان دلایل نگرانی های پدر طالقانی را بوضوح دریافت. کما اینکه اکنون روشن شده‌است که ناراضی‌های ما متحدانمان از آنجا است که بات کذایی به چه خاطر بوده‌است. آنروز وقتی اعتراضی کردم می‌گفت همه عجله - کاری برای انتخابات خبرگان جز بظنور سطحی گذشتن و جدی نگرفتن نمیتواند باشد، ما به کسب اطلاع و چوبل اطلاع چرخ گذاشتن و ترس از شکست خوردن زدند، ولی امروز در رابطه با سرعتی که انتخابات شوراهای اймаط شد در اعلامیه حزب حاکم (مورخ ۲/۸) خطاب بوزیر کشور (چنین می‌توانیم

برای افکار عمومی این سؤال جدی مطرح شده که چرا برای این انتخابات مهم و سرنوشت ساز چنین مدتی کوتاه در نظر گرفته شده بود، و کار نتوان با عجله صورت گرفت که نمرود در محراب و باز ناموزها تا بدها نتوان باشند در این مورد توجیه شوند. وقتی صلاحیت بسیاری از ناموزها دروزر قبل از انتخاب از طرف وزارت

دانشگاه انقلاب (۳)

در یک انقلاب مکتبی و ضد امپریالیستی نمیتوان از توان انقلابی هیچ قشر و طبقه‌ای صرف نظر کرد

دیدی کمترین مادر مرحله بسیار حساسی از تاریخ مبارزات خلق سرزمین، و بدلیل حاکمیت مستمر دکتوری و مکتب آکمی توده‌ها، نقش سرجاس و سولیتی پس سنگین سردوش روشنفکران و بزوره دانشمندان ماست. و نیز دیدی که بدلیل محتوای متخلف بودن افواغ و نزوع برخورد ساده گزینانه و ساده‌اندیشانه، می‌تواند ناچه آمرین باشد، موصوماً آنچه به هوشیاری امپریالیسم و برخورداری اوارتاجر ضد انقلابی

روشنفکر چگونه ممکن است وظیفه سنگین خود را فراموش کند

حال سیستم چگونه ممکن است قشر روشنفکر در مقابل مختلف طبقه سنگین آکادمیک و توده‌ها و مردم را بدین طریقی به میان طبقات متخلف را فریب ندهد. بویا از عهده انجام آن، بر نیاید. معمولاً توده‌های ناآگاه بیروشنفکر - ان در مقابل منیت‌های اجتماعی - انگسای کلاسیک، متناظرین نشان میدهند. هر چند تجارب مدنی توده‌ها بسیار غنی است، ولی بدلیل برخورداری از توده‌ها آنها از چهارچوب فکری منجمد و واقع گرایانه - هیچ عنوان جمعیتهای و بدین مکتبی کلی آنها را یالستی نیستند. روشنفکر است که بدلیل توان اجتماعی لازم جهت دستیابی به چهارچوب یک آید - تلوژی واقع گرایانه، و موصوماً در یک توانایی علمی حرکت جامعه، میتواند فسر برخورداری مکتب‌های اجتماعی آنها را جمعیتی کند، و یک خط فکری مشخص سیاسی در مقابل توده‌ها قرار دهد. و در وقت که همین دلیل، اگر روشنفکر نتواند از عهده این مهم برآید، غالباً - ددی -

بغیاز صفحه اول

اقصی نقاط کشور

البته تا آنجا که قشای به مایه مربوط میشود باز هم برای هر همتی آماده‌ایم. بگذار همانند امروز در سوگ پدر طالقانی از روی سینه چاک میدهند موقع معرفی کردن ایشان بعنوان نامزد ریاست جمهوری ما را نفاق افکن و تفرقه نواز اندازند و منظور پختن مراسم مربوطه را نیز در ادب و نظایر ایشان تحریم کنند. انفجار توده‌ای عظیمی که بدینالرحلت پدر ایجاد شد برای روش شدن حقایق کافیست. البته حالا که دیگر نمیشود به سادگی روز انتخاب رئیس برای خبرگان، پدر طالقانی را یاد آورده گرفت، و باروزگاری سرش آوردند که مجبور شود هجرت کند. یا این موشگرهای دوگانه‌شان باز هم چویش را بایند و بخوریم و مرقز خطاب شویم.

آخر برادران ما راهین گناه بس است که از جانب پدر بسیار مورد محبت بوده، و از غایب و همراه همتی هستند، همین بس که بطرح پدر راه جهاد کشودند. ... راهی که بسیاری مدعیان امروزی خود با کمال میل در پست‌های بنفاز ایستادند و اقتدا کردند. همین بس که برادران ما در شاندها نام جایگاه‌ها و اقصی پدر بسیار کوشیدند. ...

آنان که توده مردم و جوانان انقلابی را از اسلام گریزان میکنند...

لکن برای ما بالاتر و مهمتر از تمام این چیزها همین تاریخی مکتبمان است. اسلام اصل دعوا بر سر پروردگار است. اسلام راستین و اسلامی کاذب، اسلام علوی و اسلامی صغوی. و باز دقیقاً بهمین دلیل بود که ما از روز نخست جمهوری اسلامی در برنامه حداقل خود مشخص کردیم که هم چون گذشته کداسک از این اسلامهارا در نظر داریم. هر برادری که مخالفین به ما بگردند لایق دیگر کسی نمیتواند مارا به دورگی و حرکت درازان و چه پس از ضربات چرخه‌ها دروزر اوج و چه پس از انقلاب برآمده‌ام و چه قبل و چه بعد از انقلاب برآمده‌ام. پس هیچ خدشای استوارانندیم، و باز هم فخر اویم مانند آری ما محبت تاریخی و بردمی مکتبمان را با هیچ منفعت و مساحتی تعویض نمیکنیم. و در همین جا است که کسانی که توده مردم و توده جوانان انقلابی را از اسلام گریزان میکنند، خود بایستی در دنیا و آخرت پاسخگو باشند.

طرح تبلیغاتی رژیم گذشته برای مقابله با مخالفین

مطالبی که در این شماره آمده - بر روی یک طرح پیشنهادی برای مقابله با مخالفین برای اندازی مذهبون افراطی، است. هدف از این نوشته شناخت شیوه‌های مزورانه بگ رژیم دیکتاتوری برای سرکوب مخالفین میباشد.

رژیم‌های میزرا علت اختیار مردمی را که دشمنان و شایعات بیگانگان میدانند

برای درک طرح‌های تبلیغاتی رژیم شاه باید به دید این رژیم نسبت به واقعیت‌های جامعه و عواملی که در او رادیده است، اندازیم. رژیم‌ها کرده توجه کنیم. در اولین بخش سند تحت عنوان "کلیات" به مواردی اشاره میشود که رژیم تهیه‌کنندگان طرح عمل ایجاد و رژیم در او را بر عهده می‌گیرد. ۱. بهر قشای مگر اجتماعی و اقتصادی در چند سال گذشته... ۲. این رژیم‌ها برترین نقطه ضعیفی خود را در زمینه‌های شرف جاسوس‌نویسی نتیجه می‌گیرند که چون مردم لایق اینهمه سرفرازی را نداشته‌اند، این امر باعث تشنگ و ناراضی گردیده‌است.

۳. سیستم سکوت رسانه‌های همگانی و سانسور بی‌رویه و ناسانه در این دستگاهها، زمینه‌ساز برای شیوع و پذیرش انواع شایعات در کشور بوجود آورده‌است. ۴. وقتی که اعتماد عمومی از دستگاه‌های خبررسانی دولتی سلب میشود، مردم طبعاً در حدیث‌های منابع خبری دیگری می‌اندویند و بر اساس اخبار از هر جا که باشد بدست می‌آورند، حال این اخبار

هنوز لایه‌های پائین افشار متوسط

"صلاحیت" شرکت در مبارزه ضد امپریالیستی را دارند.

برای روشن شدن این مطلب سئاله را فدری بیشتر میکنیم. ۱. میدانم که کشورها تحت سلطه امپریالیسم، بدلیل بافت خاص طبقه - عتبان، درگیر انقلاب دیوکراتیک هستند. و صرفاً باین جهت از قوانین کلی این نوع انقلاب، فادر خواهند بود. خود را به طور کامل از قید سلطه امپریالیسم برهانند. در انقلاب دیوکراتیک هر چند طبقه کارگر بد لحاظ اجتماعی باید به پیشاپیش صفوف انقلاب حرکت کند، ولی این بدان معنی نیست که این طبقه تنها حرکت کند. هر امر انقلاب است، ماهیت تضاد خلق و امپریالیسم، ایجاد گوناگون اجتماعی و تاریخی آن ایجاد میکند. حتی لایه‌های پائینی افشار متوسط پس خود را در مبارزه با امپریالیسم ایفایند. به عبارت دیگر، بدون تحقق این وحدت اجتماعی مبارزه ضد امپریالیستی به پیروزی نتواند انجامید.

یعنی میان فوق اینست که: هنوز لایه‌های پائین افشار متوسط صلاحیت شرکت در مبارزه، در جریان کار انقلابی - می، را دارند.

حال که چنین است، هر چند برخورداری از دیدگاه عمیق - ضد استعماری - باشند، و با نگاه اصلی اجتماعی خود را کارگران و کشاورزان بدانند، ولی تعلق آنها به جریان انقلابی زمان، هرگز نتواند مسئولیتشان در سازمان دادن صفوف مبارزه نیست. صوفی که در برگیرنده تمام افشار طبقات اجتماعی است که بد لحاظ مایه‌شان صلاحیت شرکت در مبارزه ضد امپریالیستی را دارند.

روشنفکر نباید مسئولیت خود را در مقابل نیروهای ضد امپریالیست فراموش کند.

بلکه باید توجه کند که نیروهای انقلابی در مقابل سایر نیروها که در زمان مصلاحت برقرار گرفتند در خط مقدم جبهه ایستادند. ولی هنوز نمیتوانند در صفوف مبارزه ضد امپریالیستی قرار گیرند. و این تعلق آنها به جریان انقلابی زمان، هرگز نتواند مسئولیتشان در سازمان دادن صفوف مبارزه نیست. صوفی که در برگیرنده تمام افشار طبقات اجتماعی است که بد لحاظ مایه‌شان صلاحیت شرکت در مبارزه ضد امپریالیستی را دارند.

اسنادی از توطئه‌های سیستم آریامهری (قسمت سوم)

طرح تبلیغاتی رژیم گذشته برای مقابله با مخالفین

از طرف رژیم "شایعات" نام میگیرد و به زعم مقامات رژیم آریامهری این شیوع و پذیرش باصلاح شایعات باعث "سانسور بی‌رویه" شایعات است. در حالی که سانسور و هر عمل ضد حقیقت نمادی را با خود دارد و بالاخره بعد خود تبدیل خواهد شد. از طرف دیگر سانسور را از کار یک دولت ضد مردمی پارلمانی است چون آگاهی توده‌ها با وجود چنین رژیمی نتواند دارد، بنابراین سانسورینی جلوی گریز از کاشتن توده‌ها از واقعیت اجتماعی اجتناب ناپذیر میشود.

۳. "سواستفاده برخی از عناصر و مقامات عالی‌رتبه دولتی و ملی در پناه باطنی به دستگاه "روایه" لازم است. دست عوامل فرصت طلب و آشوبگر داده است. به فرهنگ عامی رژیم که توجه دارد این عوامل طلب و آشوبگر است. کسانی شایعات برسوا استفاده مقامات عالی‌رتبه میکنند می‌گذرانند

۴. "تأثیر تبلیغات مضره دشمنان در تانجان هم گریخته است که در صورت عدم اقدامات مقابله‌آمیزی شده عاجل بی آمدهای خطرناک و غیر قابل تصور را مکن پذیرفته است". این باصلاح همه گردیدن تبلیغات مضره دشمنان (اشاره به کاشتن سانسور در روزنامه‌ها است که رژیم در او اواخر عصر خویش بنابه جبر عسری بطرد پذیرفته بود. همچنانکه گذرم آردی مطبوعات با وجود رژیم‌های ضد مردمی و ضد استعماری صغیر و غیر قابل حل دارد. و آگاهی پائین توده‌ها به قول گزارش مزبور بی آمدهای خطرناک و بی اثر است. در این باره در صفحه ۱۳

میکنند، ولی آسپان سانسور و کده که به یکباره در مریض چندماهه لایه‌های پائین قشر متوسط نقش تاریخی خود را از دست داده‌اند؟ و آیا بواقع میتوان تصور نمود که در این مدت کم کارگران و چنان کیفیت آید بود و یک سازمانی رسیده‌اند که توانستند با رژیم انقلاب را به تنهایی بدوش کنند؟ و آیا "اپورتونستیهای

چپ نما" در آغاز بانگی همین اصل وحدت نیروهای ضد امپریالیست - به مواضع اپورتونستی نیتانند؟ بنابر این نتیجه میگیریم که همانقدر که غیره شدن چشم در مقابل پیروزیهای انقلاب می‌توانست اشتباه باشد، و روشنفکران از ابغای نقش هدایت کننده و رهبری کننده حرکت خلق بازدارند، و به تأیید گریز و حرکت هر آنچه تحقق میپذیرد تبدیل نماید. هر عرابی گونی نیز، ناگهان دستخوش فر اوج خود بخودی بازتابهای متعسکر اجتماعی سیستم حاکم شدن و تضاد خود را مطلق کردن، میتواند بهیمنانقدر برای تداوم انقلاب دیوکراتیک ضربه زنده بوده. و در وضعگیریهای سیاسی منجر به نفی اصل وحدت در مبارزه ضد امپریالیستی گردد. و در ایجاد تضاد منجر به جدا شدن زودرس برخی لایه‌های اجتماعی که هنوز صلاحیت شرکت در انقلاب را دارند

نیاستی مضمون ضد امپریالیستی مبارزه ضد ارتجاعی و فراموش کردن

بدینان سیستم که: هر نوع موشگری سیاسی، و بدین وقت که با جد و آتعمک‌گرایانه خواهد داشت، و بطوریکه جابه در یک مرحله "وحدت" و در کام بعد تضاد با نظام حاکم را مطلق نخواهد کرد، که در آن به مایه مبارزه ضد امپریالیستی صورت جلب نرود تضاد فرمی - چهارچوب اتحاد بودن تضاد امپریالیسم توجه شده‌است. و الا بناگاه متوجه خواهیم شد که با اصل کردن مبارزه با ارتجاع - و با فراموش کردن چهارچوب اتحاد بنانه - این یعنی مبارزه با امپریالیسم - نتواند خدشتی با انقلاب نگردد، بلکه آنرا از مسیر اصولی منحرف کند. ما هم و نتیجه میگیریم که: دانستیم که دانشجو در هر مرحله، ضمن آنکه همچنان باید بدین وقفه به مبارزه با ارتجاع ادامه دهد. در همین حال باید به هشدارها مضمون ضد امپریالیستی مبارزه با ارتجاع را نیز

را با تدبیر و دگر در این مقطع تاریخی خود را جزو نیروهای انقلابی نامی اعتبار - و در درس همه آنها بیرون اصل مکتب توحید میداند. صوفیتهای خویش را در توحید وحدت ضد امپریالیستی و بسیج لایه‌های پائینی قشر متوسط که هنوز صلاحیت شرکت در مبارزه ضد امپریالیستی را دارند، فراموش نکند.

نژادش از ماها مبارزه و همبستگی کارگران کارخانه تکنوکار

بر کارگران زحمتکش ما چه می گذرد؟

کارگران: وزارت کار فکر میکند ما مبارزه با کارگران برای این بود که شاه فرزند ولی فواید شاهنشاهی بدست عده ای دیکه را اجرا گردد!

نگاهی به شرکت و تاریخچه آن:

شرکت ناسباتی تکنوکار ۲۰ سال پیش با سرمایه ای عادل ۲ میلیون تومان در کارخانه مخصوص کربن گرافیت شروع کرد. بارشده نظام سرمایه داری و وابسته افزایش سفارشات تابلومازی کارکنان تکنوکار...

مشتري عده شرکت تانکون ارتش بخصوص نیروی دریایی و چند سرمایه دار از جمله هدیش راسکو (سرمایه داران صهیونیست) بودند.

در انتهای تابلومازی موجود است. اعتبار کارگران تکنوکار در ۵۷ منظور خواستهای صفتی آغاز شد و سرمت مراحل تکامل خود را طی کرده بود...

توطئه های رنگارنگ کارفرمایان تعطیل کارخانه

در کارخان فعالیتها، عوامل کار - فرما میکوشیدند که وحدت کارگران را در هم مکنند. یکبار به بهانه اینکه چند نفر از کارگران سربازی نرفتند...

کارگران هستند، و باید اخراج شوند، و در غیر این صورت کارخانه میباید. وزارت کار نیز از کارفرما حمایت کرده، و بگفته کارگران حتی یکبار مسئول آن وزارتخانه...

ای نخست وزیر وزیر کار نوشتند: کار توجه به اینکه تمام کارگران درسی کار هستند، و دولت موظف است که به آنها کار بدهد. اعلام میکند که با تعطیل شرکت تکنوکار خانواده ما نیز مانند میلیونها خانواده دیگر گرفتار دیگر در عرض گرسنگی قرار خواهند گرفت.

لی راپیتی شرکت کارگران نیز با انتشار نامه ای ادعای دروغ را افشا کردند.

برای انقلاب آری برای کارفرما هرگز در ادامه مبارزه خاطر کسب حقوق حقه کارگران شورای تکنوکار تصمیم نگرفت...

اتحاد شوراهای واقعی کارگران

سرنجام در نتیجه های شب کارگران مورد هجوم قرار میگرفتند. و این در حالی...



کارگران هستند، و باید اخراج شوند، و در غیر این صورت کارخانه میباید. وزارت کار نیز از کارفرما حمایت کرده، و بگفته کارگران حتی یکبار مسئول آن وزارتخانه...

قراردادی مبتنی بر مافوقان کارخانه و تخمین ادامه آن از طرف وزارت کار نوشته میشود. ولی وزارت کار حاضر به آن نمیشود. حتی نمایندگان آن میکوشند...

دو کتبه میکنند

کارگران تازه میفهمند که این حقها جدیدی برای شکستن تخمین آنان بوده است. لذا روز شنبه هفت سپتامبر دفتر مرکزی تکنوکار رفتند...

اتحاد شوراهای واقعی کارگران

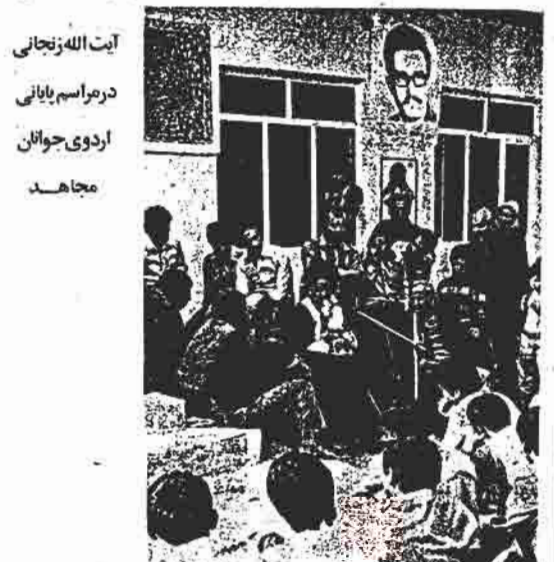
سرنجام در نتیجه های شب کارگران مورد هجوم قرار میگرفتند. و این در حالی...

کارگران هستند، و باید اخراج شوند، و در غیر این صورت کارخانه میباید. وزارت کار نیز از کارفرما حمایت کرده، و بگفته کارگران حتی یکبار مسئول آن وزارتخانه...

کارگران هستند، و باید اخراج شوند، و در غیر این صورت کارخانه میباید. وزارت کار نیز از کارفرما حمایت کرده، و بگفته کارگران حتی یکبار مسئول آن وزارتخانه...

گزارش بابان اردوی سازندگی جوانان مجاهد در روستای "آبگان" با تحمل رنج زحمتکشان عشق به توده ها را در خود مستحکم تر سازیم (از پیام اردوی سازندگی)

پس از پایان گرفتن کارهای سازندگی در آبگان، این رهبران بزرگ خداستار نشو جوان اعزامی جنش ملی مجاهدین در روستای آبگان، مراسم افتتاح...



در این گروه آتی بعد از پایان مادران - بی ها و سخنرانی استاد کجی، نماینده روستائیان ضمن خیر مقدم به شرکت کنندگان...

سرمایه داری و وابسته پاسداران را در برابر کارگران فراموشید! برستی چکمانی کارگران را از جان خود سر میکشند؟ چکمانی برادران کارگر با یادار کارفرما هر درود را نخلاب...

کارگران متحصص کارخانه تکنوکار



تفاوت شوراهای دولتی و شوراهای پیشنهادی 'پدر طالقانی'

شوراهای هماهنگی باری بر دوش کارگران و زحمتکشان

هنوز جبهه پدر طالقانی نشسته بود که دست یگانه ارتشکلی شوراهای با محتوای غیراரசی آنچه او فریاد میزدند. روزی که بدین بیان دیگر مردم میمنت بستند تا شوراهای واقعی ضد استبداد ، ضد استعمار و ضد استثمار همانگونه که پدری خواست تشکیل دهند . با دیدن منظور ارسواریست ؟

معنی شوراهای سیرند کار مردم خودشان ، ارج نهادن به قدرت تصمیم گیری توده ها ، واگذاری سرشت آنها بدست خودشان می باشد . جمیارت دیگر جوهر مفهوم شوراهای شرکت دادن توده ها در تصمیم گیری ها و کارهای اجرایی مربوط به خودشان است . ورئیک جمله : «شورا یعنی قدرت در دست توده ها»

این جوهر در اشکال مختلف با روش و محتوای مختلف میگردد ، و فرم خاص خود را در هر مرحله پیدا میکند . مثلا : شورای کارخانهجات شورای محلی ، شورای دهی ، شهر ، شهرستان و ... حال هر چیزی را که استنش شورای یکدانه را ، آنرا با معیار «شرکت توده های ذی سهم در تصمیم گیری» محک می زنیم ، و بر این اساس درجه «اصالت شوراهای وحشی شورا» بودن یا نبودن آنرا تعیین میکنیم . از سوی دیگری توان در زیر فشار توده های آدامه - دهنده ، راه طالقانی ، یا سرخوردن و مایلیتی به لفظ و شکل شوراها اجبارا نتوان داد .

بقیه صفحه ۳

گزارش بیان اردوی سازندگی

رابری حاصه ما فدا نمود ، یعنی مجاهد شهید احمد زحانی ، آنرا بنامش نامگذاری نمودیم .

مجاهدین و زحمتکشان و سوا

انقلابی شهیدی که در سابقترین سال های ظلم و استبداد ، رنج و ستم ، مشعل مبارزه با برعلیه بی عدالتی را افروخت ، سال رهای سیاهی که مردم ستمدیده گام بران در زیر زنجیر جانانه و فقری خانمان رساند از روزگار سخت خویش را میگذرانند .

دفعاتان محروم ، پس از ناله تحمل زورگویی اربابان ، با اصلاحات ارضی دروغین دچار توطئه های تنگن گشا خادد شده . در درختجوی گریه شهرها سراسر عدالتیهای اربابان جدید یعنی سرمایه داران میشتند . فقری شدید غریب هشتی دهنده ان ، کارگران و دیگر مردم ستمدیده ایران را در آتش شعله روموشی میوزاند . در همین ایام عده ای از انقلاب طلبانک و آزاده که در مکتب مجاهد شهید ، پیتالنه طالقانی (بار و پشیمان دکتر محمد صدق رفیق پدیر مبارزات ضد استعماری شرق زمین و همسنگر آیت الله روحانی در نهضت مقاومت) بیرون فرزان و ایمان برقلنشان تاییده بود ، برای گذردن راه مبارزه مسلحانه ، مبارزهای برای ایجاد جبهه های طبقه توحیدی گروه آندومارامانی سیاسی ایدئولوژی اسلامی را بنیان نهادند .

انقلابی سوزی صدیق که در نخستین مردم زحمتکشان ایران را با نام خود نامگذاری کرد و ریشه های اصلی این ظلم را که همان استعمار آمریکا و رژیم دست نشانده اش بود در باطن میپوشد .

آنان از یک طرف فرورنگی شهید دهقانان و کارگران را میدیدند و از سوی دیگر شاهد غننگذاری های بی پایان اربابها و سرمایه داران و دیگر عمال شاه جنایتکار بودند . مجاهدین در یافته بودند «چنانچه» بی طبقه توحیدی و بدون فقر و گرسنگی تنها با تکبیر محرومترین طبقات یعنی کارگران و دهقانان و بدست آنان ساخته خواهد شد .

آنان در سفرهای خود به روستاها با قلبی ملو از عشق به توده زحمتکشان و تحت ستم بودند خویش را با آنان محکم تر می نمودند و همیشه این کلام امام صادق (ع) را نوحوا میکردند : «الزرع للزرع و الو

شوراهای حق تصمیم گیری ندادارند چنانچه به تصویب نامه دولت دربار ، شوراهای روشن شد ، که با سلط اختیار اساسی مردم و پشت پا زدن حقوق تاریخی آنها ، طرح مردمی و آرزوی پدر طالقانی را زیر پا گذاشت . چرا که اجرای چنین شوراهای بی محتوایی مثلا در یک کارخانه ، مقهوری جزمیده کردن حقوق کارگران به کارفرما و محکومیت آنان ندارد .

بدون اینکه تصمیم گیری بخشد ما را داشته باشد تا به ریزه کارها و با جملته سازی کردنیهای طرفداران سیرداریم به نکاتی چند در رابطه با آن اشاره می کنیم .

۱- انتخاب امیرالایم حضور می باید تا شی مردمی بودن یک طرح با عمل در شرایط فعلی هماهنگی پدر طالقانی با رها استعماری و استثمار بی بودن آن است و مسلما «هر جایی که از این

تصمیمگان استفاده نموده و جایای خود را محکمتر می کنند گمان اینکه می بینیم ماههاست دست به کار شده و سبانه های مختلف با اقدامات طلبانه کارگران مبارزه می کنند .

۳- شوراهای

اگر همانطور که در اول بخشنامه آمده منظور از مدیریت وگرداندگی مؤسسه درجهت منافع جامعه یعنی همین شوراهای است . پس باستی مدیریت در خدمت شورا باشد ، یعنی شورا قدرت داشته باشد و مدیریت تابع تصمیمات و آرایه مردم باشد تا اینکه از بالا تصمیم گرفته شود و بعد شورای آن را تصویب کند (بند ط وظایف شورای هماهنگی) و با اینکه مدیریت جدا از شورا و از بالا برایش اعفاء مجمع عمومی شورا نذرت میگرد (بند الف ۲/۲) بلکه بمکن این شورا است که باستی نقش تعیین کننده را بازی کند . در رابطه

اتحاد شوراهای واقعی کارگران در برابر سرمایه داری وابسته و بقایای نظام استعماری بزرگترین ضامن تداوم انقلاب است

با این طرح دولتی نمائنده شورای کارکنان توسعه باستی دنبال مدیریت واقع در کارخانجات پشت در اطاق نمائنده کارفرما سرخم کند نه اینکه شورای واقعی - کارکنان یعنی نمایندگان منتخب کارگران و کاررندان در یک انتخابات آزاد تصمیم بگیرند و نمائنده کارفرما با دولت در کارخانه و مجری آن تصمیمات باشد . مگردان اصل اسلامی که توده ها سرچشمه قدرت و اعمال حاکمیت سرخوش خویش هستند ، است . اگر چنین است باستی از جمله پدرمان طالقانی در این باره آمده : «کنیم که می گفتم : بیروید دنبال کارکنان بگذارید مردم مسئولیت پیدا کنند»

اگر کسی در قدرت اداره امور و مومما «کارهایی که مربوط به کارگران می شود بدست ایشان تردید ندارد . کارگران میهن ما به مدیریت خود ایمان دارند و نمونه های تجری و عملی آنرا امروزه در کارخانجاتی همچون جهان چیت و کرج مشاهده می کنیم . این با را اول نیست که قدرت مدیریت کارکنان متابع ما به نمایش در آمده ، به یاد بسا و روم که بعد از آنتمه تفریبی که امیرالایم انگلیس برای فلج کردن حکومت مردمی دکتر معذق در صنایع نفت بسا آورد ، کارکنان ایرانی علی رغم تمام مشکلات فنی و تخصصی کار به زود و سریع موفق به بازسازی و اداره امور شدند . چیزی که امیرالایم خیال آنرا ساد نمیکرد ، اینها هر کسی از یاد برده ، یا بدیگی از رجال گذشته و حال که در این امر نقش بسا بازی داشتند ، یاد نبرده است و از این مشکلات کاش که آویزه گوش میگردند است . این طرح چیزی که متخسف نشده همین زحمتکشان است : «خرایجه را به طبقه فنام میزد که روی آن اسپمه تایدند» (بند ۲ از تبصره ماده اول اساسنامه) بنمود عینی آن در بیشتر کارخانجات با رابطه بین کارفرما با کارگر است بدون توجه به خواستیهای آرایه خواهان و ضدبهره کسی کارگران و معنی میدهد ؟ قطعاً در این شرایط هیچ نیروی امولی خواستار مدیریت کشیدن رابطه شورا هابان مدیریت در کارخانجات نیست علی الخصوص که مدیریت یعنی آن شورا را دولت مپیهد دارد ولی باستی قاطعانه با متخسف کردن حدود ملاحظه و وظایف مدیران آنرا با استفاده منافع شورا در آورد . چون در غیر این صورت سرمایه داری وابسته و روسیه وابستگی اجرا بر ضد خلقی بود برای با عمل کردن حقوق حق

اتحاد شوراهای واقعی کارگران در برابر سرمایه داری وابسته و بقایای نظام استعماری بزرگترین ضامن تداوم انقلاب است

غصه ها غیری نیستا خدا میرالایم حضور می باید چرا که دیگر کسی ندادار اما صا خطر نمی کند ، همان طور که بعد از آنتمه «هر جایی که می گفتم : بیروید دنبال کارکنان بگذارید مردم مسئولیت پیدا کنند»

مادر زحانی ها : فرزندان شهید امام احمد در گونی از آنگان «وسره های محبور میگردد که امکان تماس با زنجیرهای مردم محروم را داشته باشد .



گان غاصه (کتک و محمول به مزاح صلق دارد و لولایکه زمین آن را قسب کرده باشد)

آدمه های کمی امکانات ، کرمه ، دهان روز و کنار زمین

اکنون که انقلاب ایران با تقدیم دهها هزار شهید با ساحتن جامعه از ان شهیدان ، جامعه ای آزاد ، بی طبقات و توحیدی میپوشد . میرود افراد و گروههایی میخوانند به پیشتادانتیهای فلط از دین بین اسلام سرپی بین طبقات مستکبر و مستضعف زد و موضع را بسپارنوال گذشته (طاعت) بازگرداند و بدون توجه به گروههای انقلابی را با مردم زمین ببرد . آنها همان مرتجعین هستند و محکوم به فنا می باشند . همانطور که شاهدید نامیز برای ادامه وظیفه انقلابی که همان حرکت درجهت منافع زحمتکشان با اصلاح جدید بود - هم آبی شورای روستاهای ، اوین ، آنگان گلوان ، کله و ولستان ، تصمیم گرفتیم در پاسخ به نفوریترین نیازهای این روستاهای محکوم و بیکامل در محله بسازیم . لذا همای برنامه های سیاسی - ایدئولوژیک خود به ساختن بل و مدرسه برداشتیم . با نداشتن با تحمل ذره ای از سنگینی کنار طاقت فرمای زحمتکشان ، عشق به توده ها و آرمایشان را در خود مستحکمتر سازیم هر چه با نداشتن با تحمل ذره ای از سنگینی کنار مرتجعین برای میرون کردن طار روستا با فاضله کمی امکانات ، کار را سخت تر میکرد ولی وجود شمار روستائیان در کار رسان ویت کردنشان به مرتجعین به ما دلگرمی و نشاط میبخشد . با این امید که با رمان شهیدان و فادار با هم طبق فریاده علی

انتخاب میشود تا جان بسرا بهادر را داشته باشد و اساسا چه انگال دارد که کار فرما را با توده به نتایج فوق الذکر بتوجه از اعمال نفوذ و قدرت در شورا نگذاریم (نه همچون بند ۲ - ماده ۲ - این اساسنامه حق اداره ، امور را از شورا بگیریم) و شورادرتراخی های مشخصی با عادلانه ایبته عادلانه در این شرایط) را به نمایندگی خاطر در کارخانه سیردارند . در مواردی هم که کارخانه در تسلط دولت است شورا موظف باشد که در کارها و تصمیمات دولت تسلیم بگردد . در مقابل ایشان جوابگو باشد .

۳- باری بردوش کارگران و زحمتکشان هر چند که خطوط کلی این طرح مشخص است ولی با تعیین اشکال خاص اجرایی آن در شوراهای مختلف تفاوت خواهد بود . آن - اساسا تفاوت خواهد داشت . علی الخصوص که قابلیت انعطاف زیاد در غیر این مورد کردن آن در مراحل خاص و اجرایی بخش می خورد . فی المثل اگر شوراهای کارخانجات از طریق اتحادیه شوراهای با تشکیلات هماهنگی و سمیتری (کنفدراسیون) - کنترول قیمت تولیدات را در دست بگیرند و نقش واقعی خود را در نظارت و قیمت گذاری کالاها عهده دار شوند دیگر کارگری که با هزار زحمت مزد خود را از طریق شورای کارکنان کارخانه های افزایش داده همراه با آن شاهده افزایش قیمت اجناس در بازار صرفا خود است . در غیر این صورت از این طرف مرز کارگر افزایش می یابد و از طرف دیگر اجناس مورد نیاز زوی در بازار ، چون قیمت گذاری نوحوا توزیع درست سرمایه داران است و می توانند حتی بیش از آنچه شورا مزدگار کارگران افزایش داده به قیمت محصولات بیفزایند

و با این حساب قدرت خرید کارگر از موقعی که مزدش هم اضافه نشده بود کمتری شود حتی پس روزها شاهدیم که علنا - به بهانه افزایش دستمزد کارگر سرمایه داران به طور روز افزونی قیمت ها را بالا می ببرند و - نتیجتا مردم بیشتر زیر فشار تورم میروند .

با مشخص شدن نقش هر یک از شوراهای و مخصوصا شوراهای که تولیدکننده هستند نمیتواند سطح قیمت ها را قبت آنرا بخیر بگرداند .

از یوسه گردوی بی مغز کاری ساخته نیست

شا پید اتوقتی که پدر طالقانی حامی مستضعفین ایران با تمام وجود در راهی شوراهای کفتم امام امر فرمودند ، دولت تصویب کرده ، ما هم فریاد زدیم ولی نکردند و میدانم چرا نکردند . و با اتوقتی که روی زمین در مجلس خبرگان با پشتوانه ۳ میلیون رأی ساکت و خاموش سرش را در میان دستناتن فرو میبرد به چنین چیزی فکر میکرد ، به شوراهای واقعی و مردمی و بسا ، چون بسا طایر همین به آنجا رفته بود والا پدر که دلش را به شکل و نام شورا خوش نکرده بود برای او اصل محتوی و مغز بود ، بود . براتی که آخرین بیانهایش در بدست زهران نشان داد که میداند چرا نکردند .

با شدگی که غلط و بیوسه مستضعفین کارگر این خانواده ، بزرگ طالقانی با تشکیل شوراهای واقعی بسا محتوای صدارتجاء ، امیرالایم بسره ، بروا ، طالقانی را ادامه داده و از اختلاف آنها با بنام طالقانی جلوگیری شود هماهنگی خانواده کوچک طالقانی از آذین بندی و - مغزگاری ساز بزمزار پدر جلوگیری کردند .

و چنین خواهد شد زیرا در عصر کبیراگهی می توده های زمانی که بیگسجه ما هم با گردوی بی مغزگول نسی خوردن ارتککل بیوسه شورای بدون محتوی و مغزگاری ما غنعت .

چه کسانی به شایعه وجود اختلاف وانشعب در سازمان مجاهدین خلق دامن میزنند؟

بقیه از صفحه اول

ما درجهات فرعی میشود. و از طرف دیگر عناصر و نیروهای سیاسی جامعه ما امروزه از آن درجه هوشاری و کاغذی برخوردارند. هستند که خود بتوانند تا حدود زیادی واقفیت را از ایامات و آکادیمی تشخیص بدهند.

اما این شایعه اختلاف وانشعب در سازمان ما این بار چنان با جدیت داشته و پرداخته می شود، مگر به جهت توجیه وتوضیحی واجب نمیکند.

نکته ای که در این جریان به طور سیستماتیک جلب توجه میکند جنبه نظرسرود پستی وانشار این شایعه - یعنی شایعه اختلاف در درون سازمان ما بطور سازمانی حاصل می شود، ضمن آن موضوعات اختلاف افراد و عناصر درگیر در آن و نقطه نظر ها حتی نوع مسئولیت های آنها در درون سازمان و مواقع هر کدام نیز تعیین شده است. و لابد این تشخیص و تعیین های دقیق و طرفی آن تحلیلی و با اطمینان نیست و همواره در حاشیه های این شایعه ها و بافتن بیجا حجاج بندی در درون سازمان و نهضت با انتصاب منحرف شود، واقعتی است که نکات در صحنه سیاسی و در مورد سازمان های سیاسی مشاهده شده و میشود.

این پدیده تحلیل خام خود را هم دارد، که در روش های سیاسی سازمان مجاهدین بعد از غربی اپورتونیستی ها نیست، تحت عنوان جناح بندی تدوین شده است. آنچه که موجب جنبش بندی وانشعب میشود در درجه اول عبارت است از فقدان یک جبهه منظم و ایدئولوژی که از مسخ و غنا و حقیقت و حقانیت برخوردار بود. و راه روشی بیهوش پای سازمان و امضا آن بگذارند. و در نتیجه کلا توان حل مسائل و مشکلات و منجمله توان غلبه بر عوامل و عناصری را که موجب تفرقه وانفصال می شود داشته باشد.

ملاحظه نمودیم عبارت است از عقده های

انقلاب چیست و انقلابی کیست؟

بقیه از صفحه اول

را براندازند. گذار قدرت از دست طبقه حاکم ارتجاعی به طبقه انقلابی و تکامل پدیده جامعه، از خلال یک مبارزه حاد طبقاتی به سرانجام میرسد. بنابراین، انقلاب در این حال که مساوی اساسی آن مسأله قدرت است، یعنی بطلان گرفتن حاکمیت سیاسی است. و بالترین شکل مبارزه طبقاتی نیز هست. بدین معنی که طبقه ارتجاعی حاکم توسط طبقه انقلابی نو ببالنده می شود.

فعلی (ج) در اولین روزهای زمام داریش، خطوط سیاسی برپا می دهد و هلی خویس را که در کنگ کنگ انقلاب به مفهوم مسموم آن است چنانسی اعلام میکند: «تخلیل بقدرت و کثرت یقیناً غریبه و ناشایسته یونها، لطف حقیتی بود اسلگتم اعلام و اعلام کت اسلگتم (سپح البلاغه خطبه ۱۶) حرکت پربرنامه من [ع.ج] با تحول بنیادی و انقلابی که مسئولیت رهبری آن را بر عهده گرفتارم از آن است که شما در هر رخنه شده، فرسایش شویید، و مانند ستواری دیگ که با کفگیر زبور و میوه میشود شما هم در گرو کور گردید تا اینکه (افراد) بائین شما (طبقه محکوم) بالا آفرین گردند. و (افراد) بالای شما (طبقه حاکم) پایین فرمایند. به عبارت دیگر حکومت شوند جای حکومت کننده را گیرد. (به مباحث ایدئولوژی و یک تشریح مجاهد شماره های ۷ و ۸ در شماره ۱۷)

بدین معنی است که انقلاب یک کاسر تصادفی نبوده، بلکه نتیجه طبیعی تکامل جامعه طبقاتی است. یعنی به دنبال تکامل تدریجی جامعه و رشد عناصر لازم برای یک سیستم اجتماعی درین سطح جامعه، کینه ضروری می آید.

انقلاب شاید با کودتاهای برحالی سته از سایر روش ها و غیره اشتباه شود زیرا این قبیل حرکتها، بخشش بالای هیئت حاکمه را برور تعمیر داده و افراد یا گروه های از همان طبقه حاکم را جایگزین می سازد. غنصت برانقلاب، به روش های اجتماعی که در آنها شرکت دارند (سویه آنها که نقش تعیین کننده تری آنها میکنند). مشخص میشود.

باتوجه به این مطلب، هندف اختلافات سیاسی در عصر حاضر علاوه بر بنا بودی ایران با ایروبائی ازین استنداد استعمار، نفی اشتراک میباید که به وسیله حکومت کارگران و متحد طبیعی شان دهقانان (متضعین) تحقق می یابد. اینگونه تحول اجتماعی از تمام انقلابات دیگر و بطریق اولی از انقلابات گذشته متمایز می باشد. زیرا تغییرات عمیق تری را در زندگی مردم دنیا میباید. این انقلاب

میرود. درست و واقع گرایانه از مکتب است. مکتبی که شکی نیست که در این خصوصیات توانایی درک دارد و بهر جهت باهت. اما سازمان در مجموع پارسی اعضا سازمان، آن را درست فهم نکرده و برداشتهای ارتجاعی یا تحریفی از آن داشتند. بطوریکه وحدت ایدئولوژی که لازمه وحدت تشکلاتی است موجود نیست. و سازمان در هر صحنه - جنبه و انشعب و اقرا یکدیگر، البته این جنبه است برداشتهای مختلف موجود داشته باشد که واقعتی باید شناخته شود و غیر قابل انکار است. باغ تحلیلی خام خود رادارد که در اینجا مجال بررسی آن نیست. در رابطه با ایدئولوژی و چگونگی فهم آن همینه با یکدیگر اختلافاتی است یعنی با یکدیگر عناصر طبقاتی متضاد برقرار می شود. گفتم که اگر باقی از این زاویه سخن بگویم باید گفت تنها سازمانی نیست که بتواند از انشباع نسبی تشکلاتی برخوردار باشد که در جهت مقصد واقعی تاریخ یعنی برداشتن اشتراک با جادما همه شی طبات حرکت کنند. جامعه ای که از آن یک جامعه توحیدی هم نبوده و تنهادار می شود جهان پستی و ایدئولوژی توحیدی قابل حصول است. چنین سازمانی با چنین مکتبی الزاماً باید بر محور ترین باندانه ترین طبقات اجتماعی مکتبی باشد. و از این جهت است که هرگز مکتب سازمانهای سیاسی بر مبنای با فرد و بیروزی می شود. یعنی توجیه می یابند. و در نتیجه تشکلاتی واقعی و میرا خود تجزیه و ستلائی میشوند.

عدم صلاحیت افراد سازمان و منطبق نشدن آنان با معیارها و ارزشهای ایدئولوژیک عامل دیگری در ایجاد جناح بندی است

اما ما مل سوم که در درون سازمانها ی سیاسی متکثر است، متکثر است. به جناح بندی و انشباع متضاد مسائل و غلطیهای شخصی افراد مخصوصاً عناصر مؤثر هواری سازمان است که این نیز از یکطرف با ایدئولوژی و از طرف دیگر به میزان تطبیق افراد با معیارها و ارزشهای ایدئولوژیک بر میگردد. بدین معنی که اولاً سازمان از چنین ایدئولوژی برخوردار باشد که قدرت حل چنین مسائلی را داشته باشد. و ثانیاً افراد باید آماجگی و توان لازم را برای حل این مسائل در برود ایدئولوژی سازمان داشته باشند و برآن راکب کنند. و در همین رابطه است که مسأله «تعصب» برای یک سازمان انقلابی مطرح می شود. یعنی متکثر سازمان در عین دار بودن، انشباع و وحدت تشکلاتی، عناصری را که نتوانستند چه لحاظ مکتبی و چه لحاظ عملی خود را با بانیان و معیارهای ایدئولوژیک سازمان تطبیق دهند دفع کنند. چنین امری خود برای حفظ همان انشباع و وحدت تشکلاتی ضرورت کامل دارد.

باتایاب تاکابهای سیاسی به درون سازمان موجب جناح بندی میشود

بالاخره آخرین نکته ای که می تواند عامل تفرقه و جنبش بندی وانشباع در سازمان باشد «خطبای سازمان است» یعنی اگر سازمان در جامعه و در رابطه با تحولات اجتماعی می تواند خطبای سیاسی صحیح اتخاذ کند، با ضررات و تکالیف سیاسی مواجه میشود که باتایاب آن در درون تشکلات، بروز اختلاف و تشتت و سبم خوردن وحدت وانشباع تشکلاتی است. و مسأله این که شرط داشتن یک خطبای صحیح علاوه بر انکاف، باید یک ایدئولوژی جهان بینی واقع گرایانه، داشتن توان برخورد با مسائل و قدرت تجزیه و تحلیل و تحولت و رویدادهای مشخص سیاسی و اجتماعی است. بهر حال این نیز یک عامل بسیار مهم است. داشتن خطبای صحیح استراتژیک سیاسی (وحدت و استراتژیک) و اتحاد با عناصر سیاسی تاکتیکی صحیح در چهارچوب همان خط استراتژیک، ضامن حفظ وحدت و انسجام تشکلاتی است.

میکند طبقات اشتراک را برانداخته، و تمام اکتال اشتراک را از انسان رارینه کن سارد. علاوه بر انقلابات مکتبی شده - استمراری (که مبدما «رسالت مبارزه» خدا میسرالستی را نیز بر عهده دارند) - انقلابات آزادی بخش فعلی و انواع جنبش های آزادی بخش و دیگر اکتال موجود دارند، که در خلال این دوره از اهمیت قابل توجهی برخوردارند، زیرا با توجه به سلطه امریالیسم بعنوان مانع اصلی تکامل جوامع و ادنطنی خلقها، این انقلابات میباید حاکمیت تجاوزگران را براندازد و برای براندازی امریالیسم در هر سطحی که باشد، اقدامات اساسی را با کلیه روشها و روشها و کارهای مبارزاتی آن وارد آورد.

اگر گذشته ایست که اسلام را در مورد ست وجهت تاریخ و مبصومن اصلی انقلابات برررسی کنیم، موضوع درسی می یابیم که در این مکتب، حاکمیت متضعین و زوال طبقات اشتراک گرونیچتیا، تحقق کسطو و طبقاتی است. خصوصاً آواختنه و موخته و موجدده آن بسیار خاص است.

هرگونه تمایز مادی و تمیض بهره کشانه (ارسیش رفتن مریدنهایی طبقاتی، ملی نژادی، جنسی، و...) میباید خاتمه پذیرد. ای واحد در سطح و صفا. و در احوح جنبش های اقتصادی و تشکلی و تشکلی استخدادات انسانی و فعالیت انقلابی، و با برخورداری از همه امکانات و بدون از مقدمه و ردایل و آرت رسن خواهد شد. (۱)

مصادیق انقلاب در جامعه نونی ایران

برای روشن تر شدن موضوع بدینست مفهوم انقلاب را در شرایط مشخص کنونی جامعه ایران می باید معنی کنیم. باتوجه به تضاد اصلی این مرحله، (تضاد خلق و امریالیزم) انقلاب ایران و تغییر بنیادی آن ضرورتاً با منحو کلیه آثار وابستگی مشخص میشود. و در مرحله بعد با مبارزه «میدانی» در جهت سحر کامل اشتراک به اوج میرسد.

اگرچه قدرت سیاسی رژیم وابسته قبلی ساطق شده، لکن هنوز رسالت تکامل و تحقق مبارزه «میدانی» برپا نیست. به عهدی است که بعنوان محصول جنبش و قیام خونین مردم جایگزین رژیم ضد خلقی شده، و خود را انقلابی و انقلاب می داند. زیرا هدف هر مرحله ای از این مرحله جز ریشه کن کردن همه جانبه سلطه امریالیزم بر جامعه نیست. بدین معنی است که انقلاب هر مرحله ای کنونی و نیز رژیمه که تعیین کننده است بایستی از ویژگی ضد دیکتاتوری و ضد ارتجاعی نیز برخوردار باشد. زیرا که اولاً «میرود» امریالیستی سلطنت رژیم فئال حاکم نیروهای خلقی است، که خود وحدت تمام نیروها را طلب میکند. از سوی دیگر این شرکعتی بدون وجود دموکراسی

سختگیر گردید. و بقول امام علی در نهج البلاغه «میران اربک سوارخ دو یا ر گردید نمیشود. بهر صورت علم غیر تمام شایعه - بر اکتبهای سستانیک و نشر سازمان یافته و اکادمی - سازمان با اینک به سازان همزمان دیگر از سازمان وحدت برخوردار است، و با ایدئولوژی که همه همنه منطبق با نیش و این نکته را هم تذکر بدهم که این وضیت و این امیدواری از یکطرف ما به روشهای کاروشوییهای تشکلاتی ما سر سبک گردید. که در هر اس همانها «نشوه» تصمیم گیری و رهبری جمعی است. نشوه ایت که تمسین کنند و هادکنر صحت خطی سیاسی و برنامه ریزیهای تشکلاتی و نتیشیتا» انشباع سازمانها میباید. نشر شایعات و اکادمی از این نوع، گرایشات ارتجاعی یا تحریفی کاترین آرواشان میباید

هدف آنها نیکه چنین شایعات را ترویج می کنند چیست ؟

در اینجا دو هدف می توان ممکن است وجود داشته باشد. اول البته میتوانند هر دو هدف در کار هم تعقیب شود. اول اینکه بخش این شایعه یک مصرف داخلی دارد، یعنی گروهی که آن را تابع میکنند ودان میباید از آنجا که خود به لحاظ تشکلاتی تا کام (کارور - شکست) هستند، برای اینکه وضیت خود را در پیش کار و در نظر افرادان خود توجیه کنند. آن را مطرح میکنند. تا چنین نتیجه گیرند که وضیت آنها را وضع خاصی نیست. که موجب گمانی شود. و گروه های دیگر هم با این عارضه گرفتارند. طبیعی است که این عدم توان در عناصر سیاسی و باصلاح و نقل خود در آینده بدین «کالا» باز است میتواند تشکلیت بر این کار و در نظر افرادان باشد، و بخصوص که این شایعات و اثرات سیاسی خطوط سیاسی نیز که تشد بد کنند و تشتت درون تشکلاتی است در زیر آن پوشیده میباید. هدف دوم که صرف خارجی را نشان میدهد، ایجاد ارتعائی و اشباع با این شایعه، در بین طرفداران سازمان مجاهدین نیست به این سازمان است. زیرا عناصر و روشهای که در این رشته بارز صحنه سیاست و رهبریهای سیاسی توسط اکادمی و جاروب سیاسی سبک سبک سلطه قوت ایدئولوژی، که سازمانها و سازمانها نیست آن است - امتداد میکند و بدین اندیشه، وقتی بشوند که در درون آن سازمان اختلاف و جناح بندی وانشباع هست اعتماد را و بدیناقت نسبت بکسان متزلزل میشود.

البته این در صورتی است که این امر واقیت داشته باشد. در غیر این صورت وضیت شایه سازان و دروغ پردازان است که بالاخره برای بر دم وضیت می شود. و هواداران را در اعتماد نسبت نسبت به سازمان خودشان مستکثر میکند. خلاصه نظر چنین آکادیمی نشان دهنده «ماهیت ارتجاعی یا تحریفی» یا نشان دهنده گرایشات و خصایل ارتجاعی وانحرافی (اپورتونیستی) کاترین آن است. (ناتمام)

انقلابی، بدون وحدت با دیکتاتوری و انحرافی است. پس در این معنی باید که ما مبارزه «میدانی» را به معنی ما میدانیم. و در واقع این معنی را به معنی ما میدانیم. و در واقع این معنی را به معنی ما میدانیم.

انقلابی، بدون وحدت با دیکتاتوری و انحرافی است. پس در این معنی باید که ما مبارزه «میدانی» را به معنی ما میدانیم. و در واقع این معنی را به معنی ما میدانیم.

سلاح یا مردم؟ ماهیت ارتش بسته به اینکه به آنگاه سلاح یا مردم سازمانند می شود، تعیین میگردد

"ایا حق داریم به بهانه اینکه نمیتوانیم درازنوی کامل فراگیریم دوباره متوسل به امپریالیستها و سلاحها و اسلحه های پدنی آنها شویم"

ایران ، در بلوچستان ، کردستان و ... هلی کوپترها و سلاحهای آمریکایی و اسرائیلی نقش تعیین کننده ای داشتند. جنبشهای منطقه ای از گردن آن مومن نماندند. ... خلق طغیان با همسایه های آمریکایی بھاگ و خون کشیده شدند. وحشی در جنگ و ستام نیز در این لابلایا و دیگر کجکهای نظامی شاه بخوبی پیداست (حسیتی از فروش اسلحه های نخل واز کار افتاده و دوزولگیهای نظیر ستون ترا - داد با سم ایران و تحویل آن به اسرائیل تکمیل ...)

زمینه های وابستگی کامل به امپریالیسم از آنجائی که ایران خود توان و تخصص استفاده از اسلحه های گاه مدرن آمریکایی را نداشت ، سبل مستشاران خارجی برای آموزش و شیوه کار برد آن به ایران سرازیر میشد. از آنرو به مردمیاریهای سیاسی که امپریالیسم از آنها میگردد اقتدار عظیم است که حقوقهای کلان و مخارج فراوانی که مابین مستشاران روی دست ایران (و در حقیقت رحتکنان جامعه ما) می - گذاشت ، بسی ناچیز جلوه میکند ، چرا که بدین ترتیب حق دخالت انحصارات فوق الذکر در امور سیاسی و داخلی ما نیز تأمین میشد. توپخانه های که آنها به یاری جاسوسان اسرائیلی و عوامل سیا و ساواک بر علیه خلق ما ، فلسطین رهنه خلفیای منطقه می چیدند ، ارگان بقای شاه و رژیم های ارتجاعی منطقه و در نهایت حفظ نظام و استقرار حاکمیت امپریالیسم بود. بعنوان مثال کودتای خمدلی ۲۸ مرداد که به یاری سیا و ارتش مجبور و کلا با وابستگی ایران تارک دیده شد ، بقول خود آنها "سپاهان و صومالیان" نقضه های آمریکا بود.

از جهت روی رژیم گذشته ایران و عملکردهای نظامی آن تکمیلیم که با شهید گویانی است بر کل توپخانه های مرید یالیشتی ، و لا بد برودند نمود آمریکا و داخلتهای مستقیم نظامی ای ای قدرت است که تاریخ از ثبت جنایات آن نشنگ دارد.

اسلحه یا انسان؟ ارتش یا مردم؟
نوعی ماهی فوق الذکر ، جمعی گویای این واقعیتند که در منطقه امپریالیستهای مدخلی آنچه که ماهیت تعیین کننده دارد ، نیروی نظامی و تسلیماتی است و پس ، چرا که گنگاه و با یکی جز این برای آنها مشهور نیست. ولی آنگاه این تمام واقعیت است ؟ پاسخ این سوال برای ما از اهمیت خاصی برخوردار است. چرا که اگر همینجا راخ (بدون کترین تسلیمات نظامی) برانویه کردن دشمن مجبوره کلیه سلاح های جنگی فائق آمدند. در جنگ خندق نیروی دشمن ۱۰۰۰ نفر با سه هزار رتر و سمداسب ، ۱۰۰۰۰ سمانان ۲۰۰۰ نفر و ۲۰ اسب ، در جنگ خیرمهر نیروی اسلام ۱۶۰۰ نفر و دشمن ۲۰۰۰۰ نفر با ده های دستم و مجبور به منحنی ها بود. لقب "تازان با برهنه " هنوز تنها یکمک صحبت ارتو - صیف نیروهای سلمان در جنگ با پیروز - بهای بی درسی آنان ، می رود که تاریخ وجود دارد.

در هر چه مرحله از انقلابات توحیدی بمنوان نوعی با هم که با هم بازاری و سازماندهی نیروهای نظامی بر اساس تسلیمات نظامی باشد. بلکه برعکس همیشه درجهت هر چه مردمی تر گردن نیروهای ارتش پیش رخنات است. و در این رابطه تخصص ، تکنیک و لاجتفای فرعی دانسته و با اهمیت درجه دوم نگریسته شد. تلاش انقلابی گنت بهین شد بوده که توده های مردم متعهد به انقلاب را آموزش نظامی دهد. آثار نادر سیر انقلاب آگاهی سیاسی وایدنولوژیک دهد. و در هر زمان که ضرورت اقتدارتس توده ای را میبیند ، ارتش که بزگی اساسی آن ایمان به راه خدا و خلق ، تعهد و شمولیت نسبت به انقلاب و صبر و پشکارش در میدان مبارزه است. و لایکن از سلاحهای سادهتری نسبت به مبارزه برخوردار بود. مهارت و تخصص و صلاح در رابطه با چنین ارتشی معلومی انتظاری باید کشید. ، نه تنها در اصل استقلال و خودکامی ، نه وابستگی به تکنیکهای پیچیده دیگران ، به هیچ وجه با ذکر این نوسنهادر

در خانه مجلس خبرگان (۲)

رد نظام توحیدی "نقض آشکار میناق خونین شهدای انقلاب"

سرا آنچه در شماره قبل در شرح مختصرها نمیشد توحیدی بیان شد معلوم کردید که اعتماد به هستی یکجا نه و جل همه متفا دعا و دوگانگی ما در جهت وحدت و در معنای جامع شناسانه آن یکی مفهوم اعتقاد به یکانگی اجتماعی و نفی هرگونه مرز بندی طبقاتی و حرکت میزاست. البته بحث کامل در باره این مسائل مستلزم تشریحات مفصل ایدولوژیک است که در اینجا فرسترداختن به آنها نیست.

قرآن و نظام توحیدی

با یک مطالعه مطبقه قرآن با دگی می توان دریافت که این کتاب با ناکات گمراهی که بر جامعه و حرکت اجتماعی دارد متوجه استقرار یک نظم اجتماعی ویژه است. نظم یکجا نه و همدفاری که بر جویان حاکم است و باید انسان و اجتماع نیز خود را با آن تطبیق دهند (نظام توحیدی). از این رو کما نیکه این نظم اجتماعی را آنکه می کشند ، در واقع دین را امری "وحدانی" و "فردی" تلقی میکنند که صرفاً به یکسری احکام و عبادات آن ، محدود و مقرر میگرداند. در هیچ دغداتی در امور اجتماعی ندارد. (اگرچه ظاهر آن غیله هم از تکنیک تا پذیرای دین و سیاست سخن بگویند).

حال آنکه قرآن کتاب مکیکی و راهنمای عمل مایشت اعظم آن متضمن طرح و بیان مسأله است متوجه حرکت اجتماعی مربوط میباشد. قرآن بر اساس اراده تصویری از جهان و بشر منبای تبیین توحیدی ، راه و رسم زندگی انسان را در قلمرو اجتماع معین کرده است.

در آیات متعدد قرآن چگونه متحول جوامع بشری و مومنینی با تفکر اجتماعی و فرجام حرکت آنها تضادها ، تضارعات و مبارزات اجتماعی تشریح شده است. بویا اراده رهنمودی ، انسان را به اتحاد و موافق اجتماعی توحیدی و منطبق با نوعی تکاملی فرای خوانده است. حتی در کوفه هدف تاریخی ما خودنی نقشه هدف قرآن نبوده ، بلکه امتیاج سنن و قوا تین حرکت اجتماعی و جلب توجه انسان نسبت به آن مورد نظر می باشد.

نظری اجمالی به تاریخ ادیان توحیدی و مخصوص اسلام ، بغوی روشن می سازد که مطلقاً که برخی نمایندگان مجلس خبرگان در رد "نظام توحیدی" گفته اند ، تا چه اندازه توحیدی است.

ما همه می دانیم و حتی در کتابهای درسی ابتدائی خوانده ایم که اسلام با طوط خود در همان حیات پیا سرخمت رهسری او ، یک نظام کینه طبقاتی را برانداخته و نظم نوینی را جاگزین آن کرده است. نظسی که جهت گیری آن بسط امحاء استقامت روبرو قرار می کشی و توحیداً اجتماعی و همی (ع) در راه ایمان هدف یک عمر با زره کرد. اما این حسین (ع) نیز به خاطر انحراف از این نظام اجتماعی و احیاء مجدد جاهلیت طبقاتی و ترتیب بودا نگیر و قیام شام پیشوایان انقلابی اسلام و - آده دهنگان راه آنها در تاریخ خوینا ترشیع با مستنداً به توضیحات فوق میخوان نتیجه گرفت که یک سوخته اساساً "نمیخواهند استقامت را قبول داشته باشند (ولودر ایما دکوچک) ، چرا که گنتیم حرکت تاریخ بسست وحدت اجتماعی و اصلاح بهره کشی و تقسیم بندگیها و طبقاتی است.

ماهیت تفکرات حاکم بومجلس خبرگان

طرف دیگری که بر مجلس خبرگان حاکم است در عمل هیچ گونه تسلیمی و تمانی از "توحید" و جهان بینی راسخین اسلامی ندارد. این اسلام نه تنها توحید اجتماعی را در جا به محقق نمی سازد ، بلکه به مثابه یک عامل بازدارنده ، بصورت سدی در مسیر تحقق پیام عاری انتشار توحیدی و بطور کلی نگاه جامعه است. از آنجاکه عمل اجتماعی تجلیگاه اساسی محتوای ایدئولوژی است که به مثابه یک آزمایشگاه - تاریخی حقیقت و ارزش یک فکر یا نظریه را مشخص می کند ، و از آنجا که اسلام ادعای تسلیمی نیستی گرایی می کند ، تأثیر در جهت بصیرت نهای طبقات و بهبود کنشی و سرقراری یکانگی اجتماعی ندارد. باین لحاظ نمی توان نام "توحید" و نظامی اسلام را

صدها ستم بگیری و تحمیل و تحمیل و مهارت و تکنیک آنها که به ما می دهد. بلکه مستحاران است که در ایدئولوژی ما ، کدامیک از این دو امر را امتیازت دارند ، صحبت از این است که آیا ما حق داریم به سبانه اینکه "نمی توانیم درازنوی کامل فراگیریم" دوباره متوسل با امپریالیستها و سلاحها و اسلحه های پدنی آنها شویم ؟ آیا ما توانیم مستشاران خارجی را بویا تخصص مردم قالب کنیم ؟ از صحبت از منق ملی است که ... غشوا علی التواجد ، فانه انی لکشیوفی غیر النام ، ... و صلوا لشیوفی بالحققی ... دندانها تان را بر هم فشارید ، زیرا (این استقامت) شش - هارا بیشتر از سردر میکند ... شمشیرها راه پیش نهادن گامها به پیش برسانید" (غلبه و پیشانی البیلاغ)

چرا اگر جز این باشد مطمئناً متوسل به جنگ طلبی و آتش فروزی برای فراهم آوردن زمینه ای برای تجدید قرا راد های نظامی و تسلیماتی ورود مستشاران خارجی ، خواهیم شد.

معیارهایی برای شناخت ماهیت ارتش

بسیار کودکان است اگر تصور کنیم با سلاحهای که از امپریالیستها تحویل میگوریم ، میتوانیم در اینجا بر علیه امپریالیسم و سیا جنگیم ، بسی خوش - خیالی است اگر بپردازیم ، آمریکا در کنار اسلحه ها و وسایلی که در اختیار ما قرار میدهد ، هیچگونه اشارت سیاسی ما مطالبه نمیکند. یکی از شروط سیاسی امپریالیسم در تحویل سلاحها به این بود ما است که کار برد این سلاحها با دکاملا مورد تأیید و با اجازت باشد. خلاصه کنیم : یکی از سؤالات

ایدئولوژی حاکم بومجلس خبرگان مدافع استثمار و نظام طبقاتی است

آن داد ، در حقیقت "اسلام" میزور جذرا شکل ظاهری و موسوی هیچ نشانه نیست. دیگری با حقیقت راسخین ایدئولوژی اسلامی ندارد. این تفکرات بیبا نگر آری نهیای طبقاتی خود آن نمایندگان یعنی طبیف کثرتده ای از اقلتر و - نیروهای ربه نلی و مدافع استقامت راسخین در این مورد توضیح بیشتری میدهیم : گفتیم که معیار حقیقت و صدق محتوای یک ایدئولوژی "عمل" است. (ع) در این مورد در خطبه ۱۵۸ میگوید : یکی بر عیقه آینه بر جزوا لئه ، کذب و العظیم ما باله ان لا یثبتن زوا ی فی تخلیه

بگمان خود اعدا میکنند که بخدا امید دارند. سوگند می دهند و بزرگ دروغ میگویند ، چگونه ممکن است حال آنکه امیدواری اثر به خدا در عمل و کردار هم نمودار نیست. هر چه چنین روشها در صورت (آیات ۱۸ تا ۱۹) خداوند در باره اعراب و با دیده نشانی که مدهی ایمان شده اند ، میگوید که شما ایمان نیآورده اید بلکه تسلیم شده اید پس در آیات بعدا شاهد می کنید ایمان آورده های واقعی کسانی هستند که در عمل همه مبارزه و جهاد در راه خدا و همه شیفته خود را بر این نهاد میازند. ... بنا بر این تفکرات حاکم بر مجلس خبرگان از آنجا که در عمل و لحاظ مرفوع گیری اقتصادی ۱. اجتماعی تا در جهت طبقاتی طبقاتی غلبه کرده و جامعه را به وحدت مورد نظر ایدئولوژی خود برساند. لذا از حقیقت راسخین آن نهی بوده و بی محتوا میباشد. اگرچه در شکل و ظواهر با دکاملا فریاد اسلام و او را بر سر خاسته بدست می دهند ، بی شک اینها در جهت صحت مزمن می باشد. از این صلتی صحت ادعاها و وعده ها و بی برده میشود. این افکار راسخین را بر مملکت ارتجاعی و ایدئولوژی آن یعنی دفاع از سرمایه داری و طبقات استثمارگر ، هیچ تشابهی با معیارهای عدم ، استقامت و مبارزه با معنی ندارند و حد اکثر یک مذهب و تفکرات و تحریف شده است که تفکرات فئودالی و سرمایه داری بدست در آن نفوذ کرده است. ب خاطر وجود همین تشابه های فئودالی

اساسی درباره ارتش این است که در مسیر بازاری و با نمایی ارتش چه روش و شیوه ای بپذیرد می شود. آیا با بازاری است یا بر اساس تخصص ، تکنیک و نوازی است که به سلاحهای گوناگون مخصوصاً اسلحه مدرن داریم ؟ و ارتش در جهت استفاده از آنها و مجز شدن به آموزشهای فنی آنها بازاری می کنیم یا نه بر عکس میگوئیم نیروهای مردمی ، آگاه و سیاسی سازمان دهیم ، و معیار ما در این رابطه وجود و رین ارتش بویا منقلب است. متعهد نیست به راه خدا و به انقلاب است ؟ و در این بار - سازی آموزشهای ایدئولوژیک و سیاسی مقدم بر آموزشهای فنی و تخصصی بود ؟ اساساً آیا اینها و متعهدم در بنارس تخصص میباشد که در یک جلسه "ماهیت ارتش بسته به اینکه به آنگاه سلاح سازمانند می شود یا با آنگاه مردم تعیین میگردد."

چهار ایدئولوژی

بنابر این یاد کردی گوش و تجربه - اندوزی از دوران سیاه را بسوی و تجربه های نظامی گزافی که به فزحشتگان و خلق ماتمکیل کرد ، و سرانجام نیز با عبرت - اندوزی از پیام شهدای فراوانی که خلق ما داد ، باید خود را آزادگان کنیم " جدا ، در صدد بدینی سیستم ارتشی مردمی هستیم ، باید واقفانوسی و مردمی حرکت کنیم . با آموزش سیاسی - ایدئولوژیک مردم و پیشانی مبارز ارتش ، با آموزش نظامی به توده های مردم ، و با روشی بوی صناعی سبک نظامی به بگوئیم به دست خودگذاشتن و در جهت وجود آوردن ارتش واقف " مردمی حرکت کنیم . بدین معنی است که ارتش ما ، بدو قطع و لغو کلیه پیوندها و قراردادهای استارتیارت نظامی و تسلیماتی است .

بنابر این یاد کردی گوش و تجربه - اندوزی از دوران سیاه را بسوی و تجربه های نظامی گزافی که به فزحشتگان و خلق ماتمکیل کرد ، و سرانجام نیز با عبرت - اندوزی از پیام شهدای فراوانی که خلق ما داد ، باید خود را آزادگان کنیم " جدا ، در صدد بدینی سیستم ارتشی مردمی هستیم ، باید واقفانوسی و مردمی حرکت کنیم . با آموزش سیاسی - ایدئولوژیک مردم و پیشانی مبارز ارتش ، با آموزش نظامی به توده های مردم ، و با روشی بوی صناعی سبک نظامی به بگوئیم به دست خودگذاشتن و در جهت وجود آوردن ارتش واقف " مردمی حرکت کنیم . بدین معنی است که ارتش ما ، بدو قطع و لغو کلیه پیوندها و قراردادهای استارتیارت نظامی و تسلیماتی است .

خاطراتی از "پدر طالقانی"

بقیة رصفحه ۷

غذای پدر
شب حدود ساعت ۱۱ پدر
بعدا زیک بعد از ظهر بسیا رتلوغ
ویرکا زرد دفترشان ما را در
خانه بر سر سفره، نام پدر رفتند
چند نفر سان، مقداری پنخبرو
سزری و اگر درست یادم باشد
چند قاجا هم روانه خودشان
شروع کردند به خوردن و به ما
هم گفتند بخورید!
ما گفتیم: آقا شام شما هم
همین است؟
پدر فرمود: چطور شما چیز
دیگری میخواهید؟
و نگاه قبل از اینکه ما
جواب بدهیم، یکی از اهمل
مسول را صدا زدند و گفتند: چیز
دیگری در خانه نیست؟ بعد از
میدلطفه یک مدتی بعد کتلت
کوچک که معلوم بود از پدر در
خیال خانه ما شده با این اطلاق



پدر طالقانی مجلس خیرگان را ترک نمیکند!

گزارش و تطلبی از فاجعه انزلی

بقیة رصفحه ۷

ما به پدر گفتیم: آقا ما
برای خودمان نکندیم، بلکه
این سن و سال و این همه کار
این شان همین است؟
پدر فرمود: خوب بله، پس
چه؟
بعد هم هر چه اصرار کردیم پدر
کتلت را نخورد، و با اصرار
متقابل به ما خوردند، و وقتی
دیدیم وضع این طورا مستوق
خدا حافظی، در راهرو منزل به
آقا مهدی و حسین آقا پسران آقا
چریان آقا گفتیم که: این چه
وضع نام برای آقا است بیجا
این همه حسنگی و ضعف مزاج،
پسران آقا گفتند: ما چه کنیم
ما برای آقا ما هر چه
بخوایم یکسیم، خودشان
نمی گذارند و ما را زمین دهند.

مخالفات شیلات با صیادان بعد از قیام
با این نگاه مختصر به وضع صیادان
میتوان به علل قیام و مبارزه این توده
تحت ستم بی برد، توده ای که بارها در
رژیم سابق نیز برای بدست آوردن حقوق
اولیه خود بجنگات و در مقابل محرومیت
از برزگرین و شایسته شایسته زندگی که
هنان صیدستنی است چاره ای جز قیام
نداشت، در جریان انقلاب نیز صیادان
می اندیشیدند که با استقرار رژیم جدید
دیگر محدودیتهای طاقت فرمای این خواهد
رفت، و در عمل نیز با زمین رفتن فشار
رژیم سلطنت، دست صیادان برای
ماهیگیری باز شد، ولی بزودی به ضرورت
وجود ضوابطی برای ادامه کار خود پی
بروردند، افزایش زمینهای بیکاری و هجوم
عده زیادی برای صید مساله "صیاد -
شکاری" و لزوم صدور کارت صید برای
صیادان حرفه ای مطرح گردید.
بسیار که هیچکس با اندازه صیاد به

در حاشیه مجلس خیرگان

رد "نظام توحیدی" نقض آشکار میثاق خونین شهدای انقلاب

۳۳۷ - ۳۳۹)
ملاحظه میکنم که دو دهه بحث بر سر
"نظام اجتماعات و دولتی و ایدئولوژی"
(رویا بر زبان فلسفی دودمان) است
که بنیاد آن "مقتضای دینی" است
می باشد، بطوریکه از ملاحظات
و حیاتی یکی نفی و مرگ دیگری
است.
زودن ماهیت انقلابی اسلام، رسالت
خبرگان مخالف نظام توحیدی است
رسالت چنین خبرگانی در
ملوت کردن اسلام به سلوت
سرمایه دار و رواج بهمین
جا خاتم نمیشود، بلکه
هرگز راه مردم سر راهی که از
اسلام تا فی طبقات و استثمار
سخن بگوید بلافاصله با برچسب
کمونیستی از مورده حمله قرار
می دهند، البته از ذهن یک
نماینده سرمایه داری کوچک
که نظام اجتماعات اسلام را یک
نظام طبقاتی می داند، چیزی
بسیار از این هم نمی جود، در آن
که بنظر ایشان اسلام در ذات
خودش نمی تواند باقی استثمار
سازگار باشد و شور و باقی میثقی بر
بهره کشی را محو سازد، پس چون
اینها (بدافعان نظام توحیدی)
از مضمون طبقات سخن می گویند،
نمی توانند مدعیان باشند
کما اینکه مدعیان انحصاری
"جامعه بی طبقه" نیز که هرگز
تقریباً خواهانهای را در تاریخ
مستوی به سوابق و احکام
ما تریا نیستی می نمایند،
استدلال خود را بر مبنای واقعی
بودن "جامعه بی طبقه توحیدی" است
اینجا آنگاه میزنند که اسلام
ایدئولوژی توحیدی بناسیر
ذات و ماهیت خود نمی تواند با
انقلاب و نفی استثمار زمانه تنگ
شود چنانچه از با ستم نفی طبقات
رهبری کند.
حال آنکه اسلام از طریق نیز
با ستم دنیا برات طولانی تهنیه
توحیدی از هزاران سال پیش
میشروعید و یگانگی اجتماع
و اتحاد هر نوع استثمار و ستم
بوده است.
نماینده مجلس خبرگان
می گوید: "اینها برای آنکه
مقا صد خود را در میان توده مردم

شورای امنیت شهر تصمیم به خروج باشد.
ارن میگردد، آنتیضارین تصمیم و اعزام
باید از آن کنی، محرک و موجب هوپهای
ریخته شده روز بعد نیست؟ تاکی باید به
آگاهی توده های مردم کم باشد؟ چرا
باید وقتی توافق شد که ما با صیادان بر سر
انزلی خارج شویم بجای اجرای آن با مردم
مردم مواجه با اعزام سوارهای و تهران
شوند؟ آیا میتوان حقوق توده های محرومی
را که حالا دیگر آگاه شده اند، با پایا کرد
و پس از آنها انتظار تنگین داشت؟

ماهیت فاجعه انزلی
خواست صیادان انزلی، مطالبه
حقوق و مسأله ای صفتی بوده، که تحت
هیچ شرایطی برخورد خودتونست میز با آن
موجه نیست، زحمت کشانی که بعد از سال
های دراز ستم و فشار اقتصادی، خواهان
شرایط بهتر و تجدید برای زندگی و کار
هستند، در انزلی با شیلات بعنوان عامل
تنگنای خودخواه رود رو روند، آسا
با این تحریکات یک ساله صفتی را تبدیل
به یک مسأله اجتماعی - سیاسی کردن،
و منجر نمودن شهر از طریق رومسار
خوشنوت های ناچا، اشتباهی به خشونت
است؟ اشتباهی که بعد از هر هیزار
مستقر در شیلات در روز ۲۲ مهر مرتکب
نشدند.
صیادان صید کفشت و سلولیت خود
را در قبال خلق تشخص دادند و نمیتوان
نمونه با داری در مقابل جمعیت صیادان
معرض سلطه خود را به شانه برادری
و نگاه به آنها تحویل میدهد و حاضر
برادر کفی نمی شود، صیادان نیز با
بوسیدن پاسداران سلطه را بوس داده و
میگویند ما هم برای جنگ به اینجا
نمانده ایم و بدین وسیله ثابت میکنند
که خواست خشونت نیستند بلکه فقط
برای مطالبه حق خود آمده اند.
اما شیلات که منافع در خطر
افتاده از پاسداران دیگری کمک میکند،
و منجر تحریکها فاجعه را میآورد، و
اینجاست که باید به همه مسئولین و
دست اندر کاران متداران دانگا متقد
به ادای حقوق کارگران و زحمت کشان
نمیشد، فراموش نکند که تعرض به حق
حیات و زندگی زحمت کشان نتیجه ای جز
انفجار جامعه بدنتال نخواهد داشت.
برخورد واقع بینانه با مسأله انزلی
که میخوانند بند گردن تحریکهای امروزه
میدهد، و آن اینکه اگر قدرتی میخواهد
مردمی بماند پس نمیتواند خواست های
صفتی مردم را با سلطه پد به بدخمتی
اگر آن حق صفتی را برای مردم به رسمیت
نشناسد، اما این تکبر هم از یاد نباید
برد که اگر ماحق صیادان را به رسمیت
نشناسیم طبیعتی ترس حق آنان را که حق
زندگی کردن است زیر پا گذاشته ایم.

شوراهای مردمی تهران را حل

وقایع اخیر انزلی برای چندین ماه
بار مسأله ای را مطرح ساخت که نتایج مسأله
صیادان و شهر انزلی نیست، مسأله ای
خلقهای تحت ستمی است که بارها استعار
سالیان دراز را بر دوش دارند، حل آن
نیز به صورت شعار بلکه در نظر گرفتن
آن منزله یک واقعت امکان پذیر است،
واقعت وجود خلقی استناده که حق
حیات اقتصادی - اجتماعی خود را می
خواهد، و اینجاست که باید مسأله انزلی
های رنج کشیده ای که تکرار سرمایه شان
کار نیست، بزهره "دیگر اولویت پیدا
کند، اولویت مسأله صیاد زحمت کش
صید، و ترجیح دادن ما همگر سترده
به مایه و مقدم داشتن زندگی و حداقل
سعیت مردم بر ضوابط و مقررات، بارها
این واقعت را یافته و بر تهنیه نام که
بسیتر از خود کارگران و صیادان در مورد
مسائل کارگرنشای و محیط کارشان کنی
نیست و نیز خود آنان از توانایی را
دارند که بهترین راه حل را در جریان کار
زندگی شان بیابند، خود چتر آغا رسا
مشکلاتی که مواجه شوند.
در این میان سلولیت عناصر کتا
تجره مند و فتن از توده ماهدات حرکت
آنها در مسیر بر آوردن خواسته های حق
ایشان در چهار چوب حل نتاج اصلی جا
بمفاسات، روشی که توسط همین مردم
در جریان انقلاب برای آنان برای حل
مسائل جامعه از جانب نیروهای مردمی
ارائه شد، تشکیل "شوراهای مردمی"
است که برای حقوق آن باید تسهیلات
لازم را فراهم ساخت، راه حل صیادان
بند انزلی نیز در صورت تشکیل آن بر آمدن
ولی جای تأیید و تشویق با کارگرنشای و مانع
روبروشند، "شوراهای مرکب از همه"
صیادان آن صنف که تصمیم با هیئت
صناعت اجرایی پیدا کند و قدرتی تفرسی
راه بخود ایشان بدهد، تا زمانی که مقامات
دولتی اعتمادی خود نسبت به مردم وانکار
فرا بیاورند، باقیان تعدد بنظر نماند، همچنان
در این چنین جامعه ای خواهیم بود.
چنانچه کمپین آن مربوط در تهران و استان
"جنایت" یاد شود، تا معترو با یگانگی
اینها!

اهمیت شیوه‌های مناسب و اصولی در مبارزه انقلابی - مکتبی

آنچه در (۱۳۷) "انقلاب و انقلاب" عنوان نموده الگوی تمام مردم معرفی شده که به معنای انت و نیرویی با خصوصیت "انقلابی ترین" و "تکامل یافته ترین" در طبقه سوسیالیستی و سوسیالیست می باشد. بنابراین "طبقه سوسیالیستی" طبق نظریات فوق به معنای مناسب ترین و صمیم ترین راهی است که مبارات دیگر شیوه اصولی و راه حل انقلابی است حال آنکه در برداشته ها و استنباطات عامیانه "طبقه سوسیالیستی" مترادف باره وسط و میانه و بی سبب است انگاشته می شود. راه سازگارانه و صحت گزینانه ای بین حق و باطل، که با صلاح نه منح بسوزد و نه کتاب. به تعبیر دیگر هوای هر دو طرف را داشتن و در گانه برخورد کردن. حال آنکه چنین استنباطاتی، یک تفکر شرک آمیز بوده، و یکی با روح اسلام واقعی بیگانه است. ما بر این باوریم که سوسیالیسم در حقیقت در هر شیوه ای بی مؤلف هستیم که با فاعلیت جانب حق را گرفته و با باطل مبارزه کنیم.

این برداشت غلط در ضمن مکتب دینگاه کمانیکی صاحبان چنین تفکراتی نیز هست "وسط" از این دیدگاه درست همانند آنچه در گذشته بعنوان بین دو شرک باره غلط مشخص می شود. تعریف می گردد. بنابراین استنباط رایج از این واژه بین موضع خود به روزی با ماهیت دوگانگی است. میدانیم که خود محور - زوری در مکتب سوسیالیستی - اجتماعی خود بی "غیبت استعمار" و "بذخیر استعمار سرمایه داری" راه "وسط" به همان مفهوم میانه و بی سبب (و بی مبانی) می باشد. "استعمار در باره کوچک را کنترل می کند. این اقتدار بر اساس همین تفکر شرک آمیز و طبقاتی خود سوسیالیست اسلام را بعنوان راه وسط بین سرمایه داری و کمونیسم معرفی کند. (راسم) و سایر ترتیب اسلام را در سوسیالیست از بزرگ بکمان ترتیب خواهی به نقطه ای - تراز مارکسیست تبدیل می دهند. حال آنکه با اعتقاد ما، ایدئولوژی اصلی توحیدی بدلیل نفی کامل استعمار و بی سبب و غنای آن بالاتر از مارکسیسم و درست - چه آن فرار دارد.

همین نمونه بخوبی تفاوت مکتب عظیم میان اسلام بی معنای خود محور - زوری را نشان میدهد. سببیم که وقتی از دید محدود و تنگ طبقاتی به مفاهیم توحیدی و قرآنی تکیه می شود، چگونه معنی و مستوی آن ناقص و وارونه می شود. اینجاست که ضرورت مشخص بودن محور های ایدئولوژیکیان در رابطه با مذهب سنتی معلوم می گردد. بدون این بر مبنای هرگز به معنی مفاهیم نیز و سرشار قرآنی (و انبیا و ابلاغه) دست نخواهیم یافت.

اهمیت کاربرد شیوه های صحیح و اصولی در مبارزه انقلابی و مکتبی

اهمیت در دادمان سخنانش در باره "انقلاب" است. آنجا که شیوه درست و نتایج آثار آن می گوید: "تغییر با آن خاندان یعنی غلبه است کتاب و ارزش های ایدئولوژیکی احیا شده آثار و دست آوردهای انبیا حراست می گردد. "عَلَيْهَا بَقِيَّتُ الْكَلْبَةِ اَنْ تَلْفُتُوهُ..." اصولاً فهم دقیق و عمیق آیات قرآن نیز جز بایک نگرش و روش همه جانبه و انقلابی (طبقه سوسیالیستی) که در برتو مبارزه انقلابی و حرکت بروی خطوط اصولی حاصل می شود، میسر نیست. اینجاست که در بنیاد هم قرآن شاکر می گردی و با همیای استنباط با زبان و بطن می گردی باز نشانی خواهد شد. در این صورت است که از بر - دانشیای دیگر محض خواهیم ماند، و در می توانیم حقیقت مطلق و ابیدی آن را در جریان حرکت تاریخ و تحولات جامعه محقق سازیم. "این توضیح بیشتر به کتاب دینامیس قرآن رجوع کنید" به این ترتیب کتاب را با استنباط های درست و پویای خویش باقی نگذاشته و متفلاً نگرش قرآنی فوق باره بطریق اصولی و انقلابی و "وسط" رهنمون خواهد صورت شناسایی حدود صلاحیت و تعیین موضع هر فرد و واجبیان

من ادعی و خاص من افتری "آنکس که بدون داشتن صلاحیت ادعای کند، نفی و نابود می شود. و کسی که چیزی جز واقعیت را بر زبان آورد در جوار جبران خواهد گردید. "من آندی ضحیة الحق هلکة" کسیکه از حق روی بگرداند سلسا خودش نفی خواهد شد.

در برخورد با شیوه های مختلف سیاسی - اجتماعی حمایت از حق در جهت اقامه قسط به منزله یک اصل اساسی، وظیفه استنباط ناپذیر و ذاتی حق طلبان و جمیع نیروهای انقلابی است. وظیفه ای که اگر در انبیا و انصورت خود، دافعه خود حق قهر گنندگان را دچار خسران و انحراف می نمود، و کلونی ایدئولوژیکی آنان را خدشده از میازد. زیرا که بر طبق قانون جاذبه و دافعه نیروها و در یک نگرش دیالکتیکی مبتنی بر جهان بینی توحیدی، هرگز غلبه و تجاوز از خطوط صحیح در درجه اول (و بطور استراتژیک) به ضرر خود تجاوز کنند است. سخنان فوق من این روشهای انحراف را بیان می نماید.

تأکید مجدد بر صداقت و تقوی اصلاحی

سپس میگوید: "الْتَقَى بَيْنَهُمَا الْقَوْمُ الْفَاسِقُ وَالْقَوْمُ الْمُنِيفُ" و "وَلَا يَخْفَى عَلَيْهَا رُغْمُ قَوْمٍ" و "وَكُلٌّ بِالْقَوْمِ حَيْثُ لَا يَشْفَعُ قَوْمٌ لِقَوْمٍ" و "بَدِيهِ اسْتِ كَ هِرْكَوْنَهُ اِدْعَايَ فِرْعَوْنَ طَلْبَانَهُ وَ مَوْعِظَتِي ذُرِّيَّتِي حَقٌّ وَ فِرْعَوْنُ حُدُودَ مَصْلَحَتِ خُودٍ وَ مَوْعِظَتِي طَلْبَانَهُ خُودِ غَوَايِ وَ خُودِ مَوْعِظَتِي وَ عَدَمُ تَقْوَايِ"

سپس میگوید: "الْتَقَى بَيْنَهُمَا الْقَوْمُ الْفَاسِقُ وَالْقَوْمُ الْمُنِيفُ" و "وَلَا يَخْفَى عَلَيْهَا رُغْمُ قَوْمٍ" و "وَكُلٌّ بِالْقَوْمِ حَيْثُ لَا يَشْفَعُ قَوْمٌ لِقَوْمٍ" و "بَدِيهِ اسْتِ كَ هِرْكَوْنَهُ اِدْعَايَ فِرْعَوْنَ طَلْبَانَهُ وَ مَوْعِظَتِي ذُرِّيَّتِي حَقٌّ وَ فِرْعَوْنُ حُدُودَ مَصْلَحَتِ خُودٍ وَ مَوْعِظَتِي طَلْبَانَهُ خُودِ غَوَايِ وَ خُودِ مَوْعِظَتِي وَ عَدَمُ تَقْوَايِ"

تمام موعظتیه ها و بر خورد های بیرونی خود خاتمه دهد، و به حل تضادها و مسائل داخلی خود اقدام کند. تنها در این صورت است که یک فرد یا جریان خواهد توانست تضادها و مشکلات خود را بدرستی بشناسد. آنکه در مکتب برای بازگشت به خط صحیح (توبه) فراهم می گردد. "وَالْقَوْمُ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ" و توبه و بازگشت پیش روی شماست (دنباله کارتان باشد).

کتابه قابل توجه در نحوه برخورد امام که ضمن سخنان فوق مشاهده می گردد، اینست که امام در مواجهه با جریانهای انحرافی هرگز وارد مداخلات و بحث های بی نتیجه نمی شود. بلکه آنها را شناختن حدود صلاحیت آنان و تعیین موضع سیاسی فراموش نمی کند. مبارات دیگر، علی در برخورد با مأمورین که مسلمانی آنها تضاد ایدئولوژیکی در درجه ای ورود به نظریات فضاها و بحث های مربوطه به آن، بهر ضرورتی است سیاسی تأکید می نماید.

اهمیت تعیین کننده حل مسائل داخلی در زمان وجود فرصت طلبي ها و انحراف

در همین حال شرایط خاص سیاسی جامعه را در زمان وجود فرصت طلبي ها و انحراف فاعلیت تعیین کننده میان قیائل و سران قوم را نشان میدهد. همانند آنکه با آنکه در ریاست طلبي در این آفتاب باره غیبتی علی با آنچه صلاحیت و شایستگی که داشت، کردن نمی نهادند. در نقطه بعدی ۱۷ امام بیشتر به فعل نتایج سو زینباری که رهبری صلاحیت بجای میگذارد پرداخته است. چنانچه مراجعه کنید)

بازگشت به خط صحیح و مسئولیت تک تک افراد

روشن است این تضادها نهایتاً به سمت وحدت و جهت جهان هدف برتر و تکامل بخش هستی (رب) حل میشوند. از اینرو همه مکتب گریها و موعظتیهها با بستی در جهت بی تفاوتی و انگیزه - عملیاتی و غیر مدعا ای و شدت کلامی بوده و روی به این هدف بزرگ داشته اند. "وَلَا يَخْفَى حَيْثُ لَا يَشْفَعُ قَوْمٌ لِقَوْمٍ" (استانگند همچنین بر حسب تنبیهات توحیدی که به انسان به منزله وجودی بخاطر تکیه بر می شود، طبعاً هر کس در حد کلامی غیر برابر ضعیف و انحرافات مسئول بوده، و نمی تواند اشتباهات و انقادات را تماماً به گردن سیستم بپردازد، و خود را مدعی و مجبور بداند، بلکه هر کسی علی رغم همه اجبارها و محدودیت های سیستم - تیک، یک بر حکم وظیفه مند می خواهد بستی در هر شرایطی به وظایف انقلابی و مکتبی اش تمام کرده، و با شیوه های مناسب و درست و سبب سبب سطح سبب به مبارزه با انحراف بپردازد.

اینجاست که امام در باره کسانی که بایک درگ غیر توحیدی از رابطه "فرد و سیستم" وظایف مرم خود را فراموش می کنند، قاطعانه میگوید: "وَلَا تَقْلِبْ لِقَوْمٍ نَقْمًا" (و ملائمت نکنید هیچ ملائمت کننده ای جز خوشتن را).

مناسبت بیست و پنجمین سالگرد انقلاب الجزایر تلگرام تهنیت مجاهدین خلق به جنبه آزاد بخش ملی الجزایر

بسم الله الرحمن الرحيم
وینما خلق قهرمان ایران وینما خلق قهرمان الجزایر با سلام انقلابی و توحیدی
ما زمان مجاهدین خلق ایران افتخار دارد که بیست و پنجمین سالگرد انقلاب خود را با افتخار و شکر و سپاس با خلق قهرمان الجزایر و جنبه آزاد بخش ملی الجزایر برادران
ما از انقلاب شما، که راهگشای بسیاری از انقلابات ملل زیر سلطه جهان بوده است، تجارب و درسیایی بس نفیست و گرا نیها اندوخته ایم. تجارب که خونهای بی شش از یک میلیون شهید دلاور الجزایری بوده، و لذا رهبر نظریات ما عزیز و گرامی است. بخصوص که شما نخستین کسانی بودید که پیوسته در بین میان اسلام و انقلاب توده ای مسلحانه رادرسالهای جدید آشکارا نمودید.
همچنین ما هرگز کمکی از نفیست شما را به انقلابیونمان فراموش نکرده، و در خاطر خواهیم داشت که الجزایر با طغر کمکی انقلابی و سوا و تمندناش پیوسته میهن دوم بسیاری انقلابیون و سازمانهای انقلابی جهان تلقی شده، و خواهد شد. و در همین رابطه بود که ما روزی برادران الجزایریمان را که اکنون بسیاری از آنها شهید شده اند، در دوگانه های فلسطین در آغوش گرفتیم. آری شما متعلق انقلاب را تا فلسطین نیز به همراه آورده، و در طلبانه به جانبی آمده بودید.
اکنون اجازه بدهید، سرفرازی هر چه بیشتر انقلاب شمارا در مسیر تکامل شماست، و فضیلتی اش آرزو کرده و امیدواریم که شما با بنی موانع و طرد انواع راههای رشد سرمایه داری هر چه زودتر در بنیای جامعه نوین بدون طبقات توفیق یابید.

مرگ بر امیریا لیسیم جهانی بسر کردگی میریا لیسیم آمریکا هر چه استوارتر با دیوبنده لقبای ایران و الجزایر با درود فراوان به شهدای انقلاب الجزایر میا خلق ایران
۱۳/۱۱/۸۸
۲۳/اکتبر/۷۹

پیام انقلاب الجزایر: یک ملت درست از همان لحظه که مرگ سرخ را بر تسلیم مرجع شمارا، پیروزی اش مسلم گشته است

پیوند خون و آتش بین ما و شما مستحکم تر باد!

با درود و سپاس به خلق قهرمان الجزایر خلقی که توانست با دادن بیش از یک میلیون شهید یکی از سر سخت ترین استعمارگران بعد از جنگ جهانی دوم را به کام افروخته و قوا و سائل نظامی به این سریل خود را، و افریقا جنگ زده بود، و برانورد آورده و به زودی الجزایر را بعنوان آزاد نموری کرده استعمارگران و سرزمینی را هاضمی کند برای خلقهای تحت ستم و مستضعف جهان در آورد. چرا که بین ملل تعددی تحت سلطه ارتباطی روشتی بخش و مقدس وجود دارد، و هر سرزمین آزاد شده ای، برای جدی و بی پامتها، به مقام "سرزمین راهمان" برای بر خیزش میسر د. و در این میان الجزایر بر بر ای مخلص و اهمیت ویژه ای داشته و دارد.

تاریخ جهان، که همانا تاریخ مبارزه انسان هار برای "رهائی" و "آزادی" از قید هرگونه سلطه می باشد، ضرورت های مشهور معینی را مطرح ساخته است. از آن جمله است: "دعوت عام از کلیه ملل مستعبد و ستم پذیر برای کامل بنای امپریالیسم و استعمار با تمام قوا با خیزند." موضوع آزادی انسان، مستقل از اوضاع و احوال و موقعیتهای خاص، که فرد در آن قرار دارد، به تمام بشریت مربوط است و همین دلیل است که بشریت بخاطر شرافت ملی و استقلال در سطح جهانی نیز، در خلقها اهمیت و ارزش والا ای کسب میکند. این سبکی و ارتباط درونی، یکی از ریشه های همبستگی عظیمی است که ملت های تعددی و توده های استعمار شد را بهم وصل میکند. اغترق نیست که گفته شده اگر در بخش های از جهان که در تاجا حکمیت ملی تحقیق پیدا کرده، هنوز تناقضها و تضادهای خود را به دست نگذاشته اند، در جزایر و با یک پیش میروند، این علت نیز دخالت دارد، که هر چه پیشروی جدید ایجاد کند، ملت های دیگر نیز از قید اسارت رها شوند. بنا بر این باید نظامیانی که از کامیتت

معرفی کتاب: "درباره جناح بندی"

از انتشارات سازمان مجاهدین خلق

این کتاب از دیدگاه ایدئولوژی توحیدی، تحلیل و تبیین مسأله جناح بندی در سازمانها و گروهها پرداخته و جزئی ترین کتابهای آموزشی-تشکیلاتی سازمان میباشد. مسأله جناح بندی عمدتاً در سازمان مجاهدین زمانی مطرح گردید که ضربه خائفتان اپورتونیستها در سال ۵۴ شهبات عمده و زبانی را در اذهان توده مردم و اکثریت اصفا مطرح گرداندند. و این شایعات تا بدانجا قوت یافته بود که حتی در مواردی از وجود دو جریسان متفاوت فکری در سازمان اذهان ابتدای تشکیل، نام برده میشد (تضاد شهید محمد حنیف نژاد و محمد حسن).

همانطور که در توضیح پراکنش جزوه حاضر آمده. در این ایام انبوه فشارهای ارتجاعی و کنشهای راست گرا، بانه برضاه سازمان مبتنی بر تفصیلی معضلهای درونی میرفت که با شکل دادن به جناح بندی جدید، متلاشی شدن سازمان را هرچه عمیقتر و گسترده تر کرد و بیرون آید از آنرا بنگلی امکان ناپذیر سازد. از سوی دیگر تحلیلهای یک-بندی مادی که از "وجود" و "آینده" سازمان میشد و مطابق آن جناح بندی و تجزیه را جز "لایتنک" و ماهوی سازمان معضلهای درونی میرفت که برای سازمان جانی کرده و تواتر بود که ضمن بررسی روشهای جناح بندی و تطبیق آن با واقع خاص سازمان پاسخ در خور اپیدئولوژیک خود را بمسأله بدهیم. کتاب موجود در یک مقدمه و چهار فصل تدوین شده است.

در مقدمه ضمن طرح اهمیت و اشاره به نمونه های تاریخی جناح بندی در سازمانها، تعریف جناح بندی را که مبارزه است از "دو جریان متفاوت و بدو لوزیک در درون یک تشکیلات واحد" تعریف میکند. فصل اول به سه موضوع مهم ۱- اساس فکری ۲- زمینه های اجتماعی ۳- منشاء انسان شناسانه (فلسفی) جناح بندی میپردازد.

اساسی یعنی جناح بندی در واقع همان تانوم عام حاکم بر حرکت مادی یعنی تضاد است. یعنی چنانچه بخواهیم جناح بندی را بفهمانیم دیالکتیکی بیان کنیم، جناح بندی شخصی تضاد های درونی "سوسی-ایدئولوژیک" یک سازمان است، که در مسیر رشد خود به جریانهایی تشکیلاتی حلیلی تبدیل گرد - مینماید.

از دیدگاه جامعه شناسانه جناح بندی مظهر و بازتاب تضادهای اجتماعی است و از آنجا که این تضادهای اجتماعی نیز بین وجود تمایلات و طبقات گوناگون و متضاد اجتماعی است بنابراین هر یک از جناح های موجود در سازمانها نیز نشان دهنده مستگیری طبقاتی خاص است. در پایان این فصل "برای عمق بخشیدن به شناخت هایدمان در این

آسمان شعر کوچک من

یادش بخیر آنروزهای قدسی ایثار
چهبیدریخ، شیناه و خون و فشنگ،
به هم هدیه میگردیم،
هنگامیکه آمبولانسها
تنهای زخمی عزیزان را
در گذرگاههای شهر آژیر می کشیدند،
چه بیدریخ، سقره دلها مان را برابر هم می گستریم
چه بیدریخ می گریستم،
و آوازهای یگانگی مان چه پرشکوه بود.

افول ستاره تپاهی را،
چهموسانه
دل به با تو نظار می سپردم
اما اکنون
چنان شده است که در صداقت همه
هرمان دیروز
شک گردفام من
ژ می بیندارم
چگونه است که هنوز،
در هنگامه بلوغ این شیزدگان پیروز،
مردان فزانه، این خاک خونالوده را
به بندی می کشند
تا زمزمه کلام آزادی را
زهر در گاشان کنند
چگونه است،
که در سپیده صادق این صبح پا به راه،
دروغ در هیأتی زشت و منحوس دیگر یاره
تجسس می شود
ستارگان از مخروبه های انزوی خویش
آوازهای شادمانی سر می دهند
وقف فولادین زندان باری عزیز

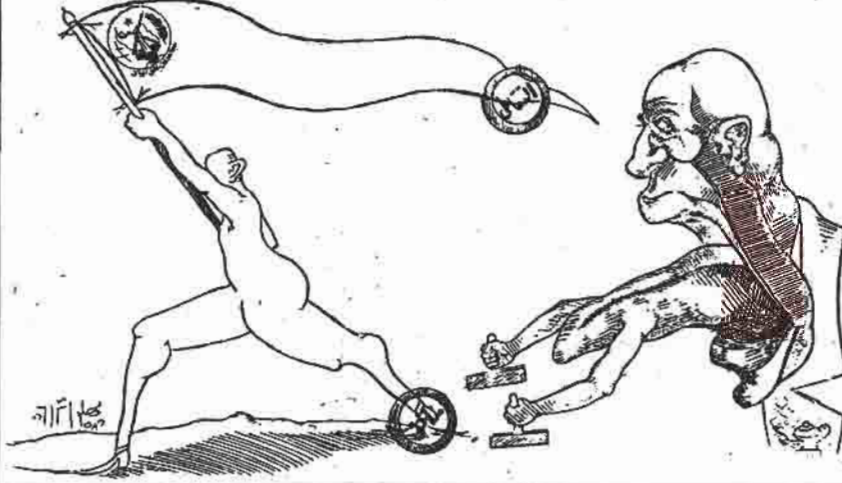
یادش بخیر آنروزهای قدسی ایثار
چهبیدریخ، شیناه و خون و فشنگ،
به هم هدیه میگردیم،
هنگامیکه آمبولانسها
تنهای زخمی عزیزان را
در گذرگاههای شهر آژیر می کشیدند،
چه بیدریخ، سقره دلها مان را برابر هم می گستریم
چه بیدریخ می گریستم،
و آوازهای یگانگی مان چه پرشکوه بود.

جمعهای سپاهان
همیشه
آیستن شنبه های سرخ می گشت
بر سینه سردیوارهای شهر،
واژه داغ آزادی می نشست،
و شعر سبز الله اکبر،
بر گوی مردان ساده زنده پویش،
چه غوغایی بر می انگیخت،
یادش بخیر آنروزهای قدسی ایثار

آسمان شعر کوچک من می شود
چگونه است که هنوز،
سینه چاک پیرو فریب سوداگران پیر
مبار قضاوت محراب های عدالت میشود
و تاراج خون شهیدان فصل سرخ
هیچکس از مردمان لب به اعتراض
نمی کشد؟
همه حکایت این است همراه
در پویایی راه های پرشکوه و آزار
مردانی هستند که از بازارهای حراج ایمان
به سر بلندی گذر میکنند،
مردانی که نماز عشق را
وضو با خون خویش می گیرند
مردانی که شهادت به رهائی انسان
می دهند
دروغ و دورویی و تهمت را
با تفخیده های فتح مجاب می کنند
مردانی از تبار با بگ و منصور
مردانی از تبار تو همراه ...
"از ناصر حسینی"
تیر ماه ۵۸

تقال (....)

گفتم :
که شب گذشت و سحر آمد
گفتا : شبی گذشت و دگر آمد
گفتم : که دیو رفت برهن گفتا
لیک از سرای شسته به در آمد
گفتم :
صدای ریش زنجیر است
گفت : از زبان (گود) خبر آمد
گفتم : مام ؟
گفت : درود خلق
بر منجان نوع بشر آمد
گفتم : تقای بن از فردا
گفتا :
تنگ و خون و خطر آمد



از دیدگاه جامعه شناسانه جناح بندی مظهر و بازتاب تضادهای اجتماعی است و از آنجا که این تضادهای اجتماعی نیز بین وجود تمایلات و طبقات گوناگون و متضاد اجتماعی است بنابراین هر یک از جناح های موجود در سازمانها نیز نشان دهنده مستگیری طبقاتی خاص است. در پایان این فصل "برای عمق بخشیدن به شناخت هایدمان در این

نگاهی به نمایشگاه "طالقانی و مبارزه"

تاریخ سنت برهائی نمایشگاههایی از مبارزات خلق قهرمان ایران، تجلیل از پیشگامان مبارزه به یکسال قبل میگرد. یادمان نمیرود که در آن زمان میدیدیم که چگونه توده های مردم چه پرشور و آتشها استقبال کرد موبد پدستان هجوم می آوردند و این بازیچه نمایشگاه "طالقانی و مبارزه" بمناسبت جهلم پدر طالقانی با حمال و هادقی دیگره شرايطی متفاوت در گشت. بخانه مرکزی دانشگاه تهران از طرف انجمن دانشجویان مسلمان دانشگاهها برپا شده است. و از شنبه ۲۸ مهر الی ۲۰ آسمان ادامه می یابد.

نمایشگاه با تصدیق ارزشناستامه پدر طالقانی آغاز میشود. وسعی اش بر آنست که با کمک تصاویری گویا صفحاتی چند از شناسنامه پیر و در عخان پدر طالقانی این حماسه سترگ مقاومت را برای بیننده به نمایش گذارد. در انجام این مهم نیز ستاد حور یادی سرفق بوده است.

"نمایشگاه" پدر طالقانی را با تصدیق بزرگ از سال ۱۳۱۷ به نمایشگاه ساندروان زمانی است که پدر مرحوم تو- هین به مقام سلطنت به حبس افتاد است، نمایشگاه سالهای حکومت رضاخان را نشان میدهد. دوره تکستن قلمها و بریدن زبانها، دور تکستن ها، حبس کردن نفسها در پندرها و عقابان و سلفه فاعسیم پهلوی. پدر در این میان همچنان شیری خروند. سپس سالهای بعد از سقوط دیکتاتوری رضا شاه و آغاز فعالیتها گسترده اپدئولوژیک پدر و بعد سال ۱۳۲۵ سر به فلسطین که

این خون فتح و نصر من اله است
خون قبيله ستم و فقر است
خون خلیل
سردار زنگنه اسپران است
در روزهای سرخ شهادت
تضليل و اعتصاب
مادرش و مشق خویش را
در گوجه ها و خیارها پاشا
خواندیم
و بر حصار شهر نوشتیم
آینک
بر تخته سپاه گلشن خود
با برگهای گل سرخ
شعر عزیز پیروزی را
تصویر میکنم
وقت بلند آزادی را
با واژه های خونین
تحریر میکنم
از : ج - پولاد
اسفند ۵۷

از خلق جان به گف نهاده و عاشق
بانگ رمای الله اکبر بر طراست
چون سیل میخروشد این خلق
دشمن به تنگ آمده
دیوانه وار سر میگوید بر سنگ
چون مرگ میبرسد دشمن
صد پادگان شکسته شده
صد گاخ سرنگون شده
آینک
دیگر بار
آرابه وان تاریخ
حرف درشت آزادی را
بر سنگ فرش زمان
بالاله های بربر گرفته
تصویر میکند
آنگ
خون رسم زندگی را
تقدیر میکند
گل داده خون سرخ شهیدان
خون غدیر - منصور - ابراهیم
خون قلام - ماندنی - صدر الله
گل داده شعله های آتش آزادی
این خون کیست ؟
این خون کیست که میجوشد ؟
این خون - قبهتی - است که میجوشد
خون - محمد - است

عاشقانه های شهادت

دروغ های سرخ شهادت
تضليل و اعتصاب
ما درس و مشق خویش را
در گوجه ها و خیارها پاشا خواندیم
و بر حصار شهر نوشتیم آزادی
و در گاس خلق خروشان
فریاد برکشیدیم
آزادی
اندر هجوم تانک و مسلسل
گلکهای نوشگفته پیر شدند
صد ها ستاره پرهاک و وفاد
ما
دیدیم
هر کوجه لاله زاری شد
آینه انبوه
و آسمان پر از ستاره تابان گشت
فریاد برکشیدیم
آزادی
آنگه خون از محله های جنوبی جاری شد
و آتش بر فراز محله علیا توفید
فریاد برکشیدیم آزادی

پیام انقلاب الجزایر: یک ملت درست از همان لحظه که مرگ سرخ را برتسلیم مرجح شمارد، پیروزی اش مسلم گشته است

بقلم زلفه

که سیاست "صبر و انتظار" را تبلیغ می کردند. بدست سلطان عثمانی، حاج نواز اهلای زومانی هم روزولت بودند. بودند کسانی که انقلاب الجزایر را مارچا جوشی مشتکی چون کمکت تاثیر هرج و مرج طلبی و آتاریسم قرار گرفته اند، میدانستند و نیز کسانی که میخواهند در نیمه راه بسا استعمارگران کناره زده و به "الجزایرفرآ" نسوی "اکتفا کنند.

در همان حال کسان دیگری هم بودند که "اقدام به انقلاب بدون اجازه" را ممنوع دانسته و شورش اول نوامبر را خود کتی نامیدند. اما حمایت خلق از پیشاهنگ انقلاب - بی اش باعث شد، آن مصیبت قدری را که در باره آن گفتگو میکردند، بتوان بدستی و شکست مورد پیشگویی و انتظار سازنگاران انفاق نیفتد.

عملیات خودکشی، نهیم از یک هفته و نه پس از سه ماهه حتی پیرامین سال پایان نیافت. انقلاب الجزایر همه زد و بندهای احتمالی و محاسبات ذهنی را خنثی کرد. از یک ماه تا ۱۵ خرداد ۴۲ "ناسوج" نال فرموس را بر کوبورس دیدیم، همانگونه که شام بعد از شکران ۲۵۰۰ نفری کشتل - ننین به چنین مرحله ای رسیدید. ورتشنگی مبارزه پارلمانی تجربه لازمی بود که در دولت مبادادن قربانی های بیچاره آن را بدست آوردند. تجربه مذکور این وهم و خیال را که گویا می توان کرد و از راه راه هدایت کرده ویوستن دراز نمودگی منطقی ساخت. و این فکرا که ممکن است بطور مسالمت آمیز استقلال را و آردای بدست آورد، ایگروه و قطعاً از جا کند.

همانگونه که جنبه آزادیبخش ملی پاسخ طبیعی به بن بست مبارزاتی الجزایر بود، سازمانهای مسلح و پیشاهنگ و از آنجمله سازمان ما نیز پاسخ طبیعی به این ضرورت در میهن ما بود.

و این هر دو ماحول و بیان تاریخی کلام خدا بود که:
 "کلمه من ففقلبه غلبت ففة کثیره ما - ذن الله مع الصابین"
 چه بسیار گروه اندکی که به پشتوانه خدا می شان که همان رامحرومان باشد بر گروههای انبوه ستارک پیروز شدند. آری، جنبه آزادیبخش توانست خلق الجزایر را متقاعد سازد که توانا و قادر است خوبستن

جزایر انگار واقعتی که هرگز قابل تکذیب نیست، ضرب و شتم های تحریک آمیز و امپراتوری زیند؟

بقلم زلفه

قوی رفتار میکنند که موجب اختلال در نظم و نهایت "در تنظیم قافله انباشته" گردد، و هنگامیکه با نصیحت بردارنده پاسداران مستقر در مجلس می مواجه میشوند، چون پاسخی منتقد و مستقل ندادند که بیان کنند، بی سربزیدند و قلم مسوم خود را در دست می گیرند. سربزیدن مستقیم به انقلاب بی می کنند بلکه با فروگردن تیره های سیاه روزنامه ای چشم ملت الجزایر و مسلمانی ایران، می خواهند اینطور وانمود کنند که مجلس خبرگاران - اینطور تیره تیره گزاف تمیذ دهد، هموقان گرامی اکنون می دانند که هر یک این تهمت ها تا نوا گوییها که از هر طرف متوجه پاسداران انقلاب با وجود چه در صحنه تیرد با ضد انقلاب و چه در بستر جامعه شده است از چه جناحی است تقویت می شود [۱]

اما پاسداران انقلاب همچون پاسداران اسلامی صدر اسلام هموقان به پیش می تازند، تا هر چه زودتر ریشه گشاید ضد انقلاب را از هر کجا که پاسدا ز بی پرکند و جامعه انقلابی را از لوث این اهریمنان نقای افکن رهایی بخشد، در عین حال با پاسداران چنین انتقاری از برخی تشریفات و روزنامه ها نداشتم که به گزارشی تا در دست توجه نماند و اینگونه تبلیغات را دایم یزینند. وضمن اخبار تا شرف از عملکرد برخی از خبرنگاران بویژه خبرنگار نشریه مجاهد که ادعا کرده بود به وسیله پاسداران مستقر در مجلس لگد کوب شده ما از این برادر خبرنگار نشریه مجاهد مدافعته شوال میکنند، که اگر مدعی است به

تا موت الایضی (مرگ سفید) را با آرامش مصفا استقبال کند، بخوبی می تواند با مرگ سرخ "نیز که در ده ششتره دهه میشود، بدون ترس رویو شده، واز شرف و حیثیت و ایم مقدسی که نباید بدان تجاوز شود دفاع کند.

اسلام در الجزایر به نیروی تاریخی تبدیل شد تا ملت تحت سترا بهره رهایی رهنمون شود. توده الجزایری بزودی بصورت منبئی از اراده و انرژی درآمد، و روان قدرتی ابراز وجود کرد که می باستی بزودی بر ویرانه رژیم استعماری نظام مردمی خود را بنیاد کند.

و در این میان اسلام بعنوان "عصب محرک" برای انقلاب، در کنار عنصر عینی جامعه نقش مهم و تسریع کننده خود را نشان داد. و دستا به فکری که با زبان و اسلح کند به نیروی بدل شد. تا ملت تحت سترا به راهی از قید استعمارگران رهنمون شود.

اما تمام اینها یک روی سکه بود. روی دیگر آنکه امپریالیزم و استعمار سادگی دستم بردار نموده نیستند، منطق استعمار کم میکند که شدت از خود دفاع کند، علاوه و قوف بر غیر ممکن بود. ن ادامه حیاتیست به در شکتجگاه اوین بعد از مدت های مدیده شهادت میرسانند.

و چه شگوهند است خود خد جلیه بعد از ششیدن خیر محکومیت خود نه سرگ خندهای که نه ناشی از شجاعت بیبوهه و مل جراحی است و نه ناشی از لاتقیدی. بلکه نشان آرام اطینانی درونی است که هم - چنان غیر قابل تزلزل باقی مانده است.

و نیز بشنوم این پیام مهدی رضائی، شهید ۱۹ ساله مارا در آخرین جلسه بیدگاه که: "بگذار کتجگ کند، بگذار رگ بپوست ما را از خلق جدا کرد، تا ظلم تمام مبارزه هست و مبارزه هست، شکست و پیروزی هست. ولی سراجام پیروزی مطلق به خلق است... این را تاریخ میگوید... این خلق را میگویند و خلقها حقیقت را میگویند."

هدفای انقلاب رهایی بخش دولت ما... مبارزه و شام تنها علیه شکتجنود شکتجنولام و سوا سوا سوا سوا استعماری و وابستناست، اصولاً همه هرگونه سلط استعماری و امپریالیستی بود، هویت بر تو ن اسوی جامعه ای آزاد، توحید و بی طبقات رهسار سوم، و نیک بیداست همانگونه که شام نیز بدان واقف هستند که بر این امر تنها کسانی قادر خواهند بود که مضم باشند نهال آنرا با خون خود آبیاری کنند و ملامتادام از جدا همان پل پیروزی آورنده را سازیم. شام زمانی گفتند:
 "و للمحرره الحره" باب
 لکل بد مفجوه سدیق
 آزادی سرخ را دری است که تنها با دست خونین می توان بران فروگردید.
 و نامزیم بنفتم: سیر تکامل با کج و رجج همراست و در راه آن باید از سرگشت.
 باید دالا نشان آنک گادج الی رسک
 کدا ما فراقیه
 این سرشوت شکتوک، در تاریخ، اورتج در مبارزه و در پیروزی بود که امپریالیستهای و قوف بدان کوشش داشتند بین ما شو حائل شوند، کوشش داشتند تا مانع رسیدن اخبار پیروزیهای شام علیه استعمار و در راه ساختن الجزایر آزاد، آباد و مستقل به گوش ما شوند.

مذکرات نمایندگان مجاهدین با بوجهاد بایستی در خطوط ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی قویا از امام خمینی پشتیبانی کرد

چهارشنبه ۲۵ / مه / برادران ما، بوجهاد و هیات سادگی فلسفی ملاقات و مذاکره کردند. در این ملاقات علاوه بر بوجهاد، هانی لفسی و جاشی ایشان برادر عبدالقادر حسینی نیز حضور داشتند.
 خونین گذشته مجاهدین و الفتح محبت شوق، انگیز سیاسی نامی برای دیدار حاکم گردید.
 چنانکه بوجهاد با راهکار خاخر نشان گرد است. ما همیشه انقلاب و میهن و خلق خود را با فلسفی یکی بافته ایم. به نحوی که آزادی ایران و آزادی فلسفی بهیچوجه نمیتوانند جدا از یکدیگر تلقی شود.

مذکرات نمایندگان مجاهدین با بوجهاد بایستی در خطوط ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی قویا از امام خمینی پشتیبانی کرد

چهارشنبه ۲۵ / مه / برادران ما، بوجهاد و هیات سادگی فلسفی ملاقات و مذاکره کردند. در این ملاقات علاوه بر بوجهاد، هانی لفسی و جاشی ایشان برادر عبدالقادر حسینی نیز حضور داشتند.
 خونین گذشته مجاهدین و الفتح محبت شوق، انگیز سیاسی نامی برای دیدار حاکم گردید.
 چنانکه بوجهاد با راهکار خاخر نشان گرد است. ما همیشه انقلاب و میهن و خلق خود را با فلسفی یکی بافته ایم. به نحوی که آزادی ایران و آزادی فلسفی بهیچوجه نمیتوانند جدا از یکدیگر تلقی شود.



تکامل انقلاب ایران در خطوط هوانی هانی بخش ضد امپریالیستی با نموده، و از منحرف شدن این انقلاب در جهت های که امپریالیست ها می خواهند، نعت خواهد نمود.
 در پایان برادران ما مجدداً "موانع شکر مجاهدین خلق را از دعوت ابوجهاد برای ایدمچا بدین از جنوب لبنان و تیرد ل نظرها می پویوا علام ما ظاهر داشتند: که در نهایت خوشحوشتی انجام آن را پس از رفع اشتکالات انقلابی ام حاضر، با اولین فرصت بعدی موکول کرده اند.
 وکوره حتی النصر
 و این انقلابی است تا پیروزی

نگاهی به نمائیکه "طالبانی و مبارزه"

بقلم زلفه
 های بد طالبانی قرار در صحنه بهاد میکنند. در او پس کلام کار موزبان دست اندر کار و راجح منتهی. چرا که این عمل در این چنین شرایطی کسی های بسیاری بر این است تا از روشهایی که در طالبانی آن خود برایشان زحمت کشیده و برایشان آنگند کرد ارحمتوا خالی کنند.
 می تازد اهنکت - بی باغ برای توده ما، وسدی هر چند کج - کرد برابر عناصر راجحی، به امید و انتظار دیدن نمائیکه های بر برابر تر از این برادران و خواهران دانشجویان
 مادین این نمائیکه را به همگان توصیه میکنم.

انقلاب چیست و انقلابی کیست؟

بقلم زلفه
 تشخیص امپریالیزم عبار زمان به متناهی شد و مانع عمده، بت بزرگ و تضاد اصلی این مرحله از تاریخ ارجانب هر فرد و مقام و گروه ملی بی تردید انقلاب را به بر راه می کشاند، و واقع مبار می آورد. بی توجهی به این دشمن اصلی ارجانب هر فرد و گروهی که باشد سراجام چه از خانت راه نخواهد برد...
 اما موارد منی این مبارزه در مرحله کنونی به اختصار در بیانیه سازمان در باره... و انتظارات حد اقل از جمهوری اسلامی بحث شده است.

سازندند. مزدوران داخلی امپریالیزم نیز در میهن ما، فرزند دلاور خلق مهدی رضائی را به مسلخ میبردند. و همان سان که "جلیه بوجیره" را با اقدام محکوم میکنند، شیزن مجاهد ما فاطمه امینی را در شکتجگاه اوین بعد از مدت های مدیده شهادت میرسانند.

و چه شگوهند است خود خد جلیه بعد از ششیدن خیر محکومیت خود نه سرگ خندهای که نه ناشی از شجاعت بیبوهه و مل جراحی است و نه ناشی از لاتقیدی. بلکه نشان آرام اطینانی درونی است که هم - چنان غیر قابل تزلزل باقی مانده است.

و نیز بشنوم این پیام مهدی رضائی، شهید ۱۹ ساله مارا در آخرین جلسه بیدگاه که: "بگذار کتجگ کند، بگذار رگ بپوست ما را از خلق جدا کرد، تا ظلم تمام مبارزه هست و مبارزه هست، شکست و پیروزی هست. ولی سراجام پیروزی مطلق به خلق است... این را تاریخ میگوید... این خلق را میگویند و خلقها حقیقت را میگویند."

هدفای انقلاب رهایی بخش دولت ما... مبارزه و شام تنها علیه شکتجنود شکتجنولام و سوا سوا سوا سوا استعماری و وابستناست، اصولاً همه هرگونه سلط استعماری و امپریالیستی بود، هویت بر تو ن اسوی جامعه ای آزاد، توحید و بی طبقات رهسار سوم، و نیک بیداست همانگونه که شام نیز بدان واقف هستند که بر این امر تنها کسانی قادر خواهند بود که مضم باشند نهال آنرا با خون خود آبیاری کنند و ملامتادام از جدا همان پل پیروزی آورنده را سازیم. شام زمانی گفتند:
 "و للمحرره الحره" باب
 لکل بد مفجوه سدیق
 آزادی سرخ را دری است که تنها با دست خونین می توان بران فروگردید.
 و نامزیم بنفتم: سیر تکامل با کج و رجج همراست و در راه آن باید از سرگشت.
 باید دالا نشان آنک گادج الی رسک
 کدا ما فراقیه
 این سرشوت شکتوک، در تاریخ، اورتج در مبارزه و در پیروزی بود که امپریالیستهای و قوف بدان کوشش داشتند بین ما شو حائل شوند، کوشش داشتند تا مانع رسیدن اخبار پیروزیهای شام علیه استعمار و در راه ساختن الجزایر آزاد، آباد و مستقل به گوش ما شوند.

انقلاب چیست و انقلابی کیست؟

بقلم زلفه
 تشخیص امپریالیزم عبار زمان به متناهی شد و مانع عمده، بت بزرگ و تضاد اصلی این مرحله از تاریخ ارجانب هر فرد و مقام و گروه ملی بی تردید انقلاب را به بر راه می کشاند، و واقع مبار می آورد. بی توجهی به این دشمن اصلی ارجانب هر فرد و گروهی که باشد سراجام چه از خانت راه نخواهد برد...
 اما موارد منی این مبارزه در مرحله کنونی به اختصار در بیانیه سازمان در باره... و انتظارات حد اقل از جمهوری اسلامی بحث شده است.

۱ - بهیام تبریک مجاهدین خلق ایران بناسبت ۱۵ شمان مراجعه کنید.

اسنادی از نوشته های سیستم آریامری (قسمت سوم)

بقیه از صفحه ۲

طرح تبلیغاتی رژیم گذشته برای مقابله با مخالفین

باید روزنامه هارا بست و قلمها را شکست و همه چشمه های کب آبگامی مردم را خشکاند.

و بالاخره این گزارش از زبان موارد بالا چنین نتیجه میگردید: «مخالفین حکومت این بار دست پوشتند به شیوه اشنی عسری، روابط استفاده از موقعیت ایجاد شده (فضای سیاسی) اقتصادی استقلال در نظام اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را به منظور وصول به هدف براندازی درگوشه های دشمن دارند.»

ملاحظه کنید که بسیار با استناد استفاده از آزادی و «فداخلاص» و «هدف براندازی» همیشه دستاویز مستبدین و مرتجعین برای تلب طبیعی ترین حقوق مردم یعنی آزادی بوده است.

طایر مزبور بر گنهای نیز بیست است که نمونه های اعلامیه های جعلی و اراشه می گنجد و باور تبلیغاتی فرار میگرد.

ملاحظه کنید از این اعلامیه های معمول که بنام «آیت الله خمینی» صادر شده، حاوی برنامه های حکومت آینده اسلامی است. حالی از فایده نخواهد بود. بدیهی است که هدف از انتشار این اعلامیه «اراشه» یک جبهه پارتیجانی و کینه کرا از «حکومت اسلامی» است. به نحوی که مردم آزان رسیده و نیز جز شوند. از جمله مواد این اعلامیه:

- انتخاباتی در پیش جمهوری اسلامی از طریق مراجعه به آراء عمومی که مطابق با شیوه اخذ بیعت در دین سین اسلام میباشد.
- لغو قانون اصلاحات ارضی که مغایر با شریعت مقدس اسلام سنی بسر احترام و با تکلیف بوده ...
- محدود کردن فعالیت تبلیغاتی و تجاری عناصر غیر مسلمان در کشور مسلمان ایران.
- برچیده شدن دادگاههای حمایت خانواده که قوانین آن مخالف با شایسته دین سین اسلام است.
- محدود کردن کار نسوان به آموری که انجام آن از عهده مردان ساخته نیست.
- بر انداختن سیاه دانش و بهداشت ...
- برقراری سیستم جدید مالیاتی بر اساس قوانین اسلامی (خمس روزگات) و پرداخت سهمیه امام.
- انحلال کلیه مدارس و آموزشگاههای مختلط و تبدیل آن به آموزشگاههای مستقل پس از خود پندار...
- بخش دیگری از طرح مزبور شیوه های عملی چندی برای مقابله با مخالفین توضیح داده است. منجمله:

۱- خشکی کردن فعالیتهای تبلیغاتی عوامل فریبکار. فریب خورده و انتقامجویی و سامنت اراشاه فعالیتهای عناصر ضد ملی در جهت سپرده برداری از مشکلات عمومی.

۲- جهر تمام شیوه های مکارانه فئوق عبارت است از:

۳- خشکی کردن فعالیتهای تبلیغاتی و خلاصه سامنت ارتقا لیت آنها.

۴- گویایم وقت به این نکته کمتر نی افتد که اصلا چرا تبلیقات عوامل با اصلاح فریبکار و بین مردم میگردد؟ آیا خواجه است که بیان مردم در دست است؟ این مرتجعین تاریخ عواره گمان میکنند که «سامنت ارتقا لیت» چاره کار است و مشکلات رامیتوانند حل کند.

۵- انتشار اعلامیه های ضد تبلیغی از طرف گروهها و مراجع مختلف مخالف که حدی که علانند این نوع اعلامیهها راخته و گویک نماید.

۶- تاسیس یک ادیوئی مخفی و احتیاطا «ساز» موج توسط پارازیت در پوشش مخالفت با دولت ...

۷- چنانکه می بینید، دشمن ضد خلق بهر حیله ای برای برانگیز کردن صفوف مردم و مخدوش کردن مرزها در ذهن مردم ایجاد تشتت در جبهه مخالف و به جان هم انداختن آنها دست میزند از تشکیل گروههای مخفی با مرامهای مختلف. تا جعل اعلامیه و تاسیس ایستگاه رادیو بدون شک این شیوه ها که از نظر ایستگسی تجربه های آزموده شده ای هستند پس از انقلاب هم چنانکه شاهد هستیم توسط ابادی و سرپرستار گانژش دنبال شد. گروههای سازمانهای با سلاطه اسلامی و «انقلابی» که معلوم شد از کجا آمده اند مثل فارچ از زمین رویندند. سازمان کبهاسان انقلاب اسلامی که یاد معرف صورتان هست. یک نمونه از این فاش است. اوضاع شتنجوشی و فراموش کردن جملندته رژیمه، کشکهای طبیعی، با چگونگی نتوانند اتفاق ای بدین نقشه قبلی باشد؟ آلن؟ هم این گروههای به اصطلاح مخفی دست ساز توسط اند در زیر پوشش و هدایت و عظامات «ارتجائی» ترسین دیدگاهها و بواعع رایجی کجند خود را علیه نیروها و سازمانهای اصول و مستورین تحریک نمایند. آیا این همه مشاهدتهای اوضاع و احوال و اوضاع زمان شاه هراس آور نیست؟ و نباید بدانشانه های فاطمی از فعال بودن کانون های طوفان امپریالیستی در سبب احصای آب و پااقوف و به این اوجت مسلوبت بار دار با فعال سرشت این انقلاب و خوشی های که نشانگان شده و چندان نمی کند؟

«کمیونیتی» «التفاتی» و «انحرافی» یا تا به حدی که مبارت نظام توحیدی را به دلیل نکتتمن یعنی نظام است طردنی کنند. آیا این اعمال عملا به سمت حاکم شدن همان «مذهب واقعی» مورد نظر رژیم و مذهب کب الاجارها قدم برداشته نشود؟

آیا اینکه اخیرا «بارزاتی تعاونی» مردم صحت میثود (نمونه شرکت مردم در انشاءات شوراها) و آنچه پس از آن همه شورشونی توده هادر جریان آیان دردناکست باطلی این چند ماه مردم ما معرفی شده اند با اسکا ل از جای دیگری است؟

راه حل سیاسی تنها شیوه حل مساله کردستان

ما کشتار و جنگ افروزی در کردستان را محکوم میکنیم

ایمان فاجعه انگیز برادر گشتی در کردستان هر روز گسترده تر شد. و مفرغم وجود نظرات مرتجعینی که تن با بر مرکه بوده و هستند، بالاخره از طرف هیئت عامل کمه دولت نیز حرکتی شد. مذاکرات پنهان و آشکارا از تکه در مطوعات بنام گروهگان گرفتیم. نمایند دولت توسط دیده کرد تا بیان شد ملتی گردید. وزیر مشاور در سفری به کردستان و مذاکراتی که با سران گروه انجام دادیم تهران بازگشت و بهر از تقدیم گزارش هیئت دولت به مجلس گسیم کردیم که هیئتی مرکب از دوازده نفر به کردستان رفته راه حل مناسبی برای این سرزمین به خون کشیده و فدا گردید کنند. سؤالی که برای همگان مطرح است این است که آیا برای دولت و هیئت حاکمه در پی حل بنیادی مساله هستند؟ آیا این حرکت دولت مساله نتیجه گرفت که افسار گسیخته جنگ طلبان بدست آمده دولت توانست این تن حرس جنگ افزوز را امپار کند؟

تربیب سوزیر فرستاده شده اعلام صریح به راه حل نظامی سیاسی همزمانی برای انجا و با اختار و تدید شد به فراموشی نگذاردیم یعنی بر بروان کردن هر چه بهتر خانه با فاصله بعد از اقدام دولت ... و شواهد و دلایل متعدد دیگری در دست است به ما پاسخ منفی میدهد چرا که هر موقع دولت حسن نیت دارد و به این نتیجه رسیده است که جنگ بیکراه

حل انحرافی است، چرا قسورا دستور اتعین نمیدهند؟ ماسر محرام اعلام میکنم که جنگ افروزی از هر طرف باشد سواره را برتر است و حق آن را به مراتب بچه مردمی می کند سوا اعلام کرده و میکنم که مساله کردستان یک مساله ملی است و بنا بر ماهیت آن جنگ و کشتار از نظرم با حکومت است. چنانچه دولت نیز قصد پیشقدمی در حل مساله دارد و در قدم اول باید آتش بس نسوری داده و دستار را محکوم نمود از طرف خود تخلفین را بشد پذیرد یعنی وحشی نتیجه نماید. تنها در این صورت میتوان جنگ را از منظر محقق کردستان را مردم شناساند. طرفه رفتن از این گام اولیه به ابتدایی چیزی را روشن نمیکند چرا که دولت هنوز به راه حل نظامی چشم امید بسته. و بنا بر این پیش بینی آینده از نظر ما چندان شکن نیست، به نظرم موفقیت چند امی برای سر فرس وزیر نمیتوانست بر گردد. و فقط در صورت تغییر شی دولت و اعلام صریح از راه حل سیاسی تنه راه حل مساله و با امثال و رفیقان اقدامات است. میان به پایان جنگا میدهد. سر زمین بحسن طبعیده کردستان را چیزی جز یک راه حل سیاسی به آرائش باز نگردد. در غیر اینصورت بارز در مساله کشوری به به پستی میگردند که آینده کشوری ملک را به بنامی در خطر قرار میدهد.

جرا با انکار واقعی که هرگز قابل تکذیب نیست، ضرب و شتم های تحریک امیرزاده را میزاید؟

روز بروز، در صورتیکه روی سخن ما باشد «تکذیب و انکار» باسنادان نامه می نویسید، برادران خبرنگاران هیچگونه انحرافی از باسنادان مستقر در مجلس خبرگان ندانند چرا که خوب میدانند آنها توسط چه کسانی تحریک و تشویق میشوند، هایشان که گاهانه، ضرب و شتم برادر مارا با اینکه تکذیب کردن میر میزاید میزند، و با اعلامیه ای «از طرف آنها» همه باسنادان را بر ملا و مستزاج میزند. در حالی که ما هیچگاه خلافها و اشتباهات فردی برخی از برادران باسناد مستورات اصحیحی را که از «بالا» می رسد محاسبه کل باسنادان و تک آنها نمیکند و در این عمل نظار افکارانه از طرف هر کس که باشد محکوم می کنیم.

شورای نویسندگان

شهریة محترم مجاهد
محرف بنامه مورخ ۲۸/۷/۵۸
حضرت آیه الله منتظری ریاست مجلس خبرگان و پرونیوت آن که به دبیرخانه مجلس واصل شده است اشراف میارد.

عناصیر و اجتناع به عرف

عناصیری که در پوش رهبری توده های نازاری، استقلال جویی و عقده گشایی دشمن راستکار زمانیم و مصالح عالییه مردم مدنظر دارند.

لین ما لکردن مخالفین و چهره های مورد لاف و نیروهی ارتجائی است. رزمی و است خیار میکند که رهبران واقعی توده ها را میثود تا با جمیت و افترا خرابشان کرد. فافل از اینکه حمایت توده ها از چهره های انقلابی با طار رشد آنها ایستاست و با تبلیقات از بین نمی رود.

۲- «هدایت اجتماع به عرف مذهب واقعی ... مذهب همیشه مورد استفاده موارفیان، ضد انقلابیون و مرتجعین قرار گرفته است. پیداست که منظور از مذهب واقعی از دیدگاه رژیم وابسته و قبا «همان مذهب تحریف شده و مدعای اشتراک نظام طبقاتی است که در وسیله ای در دست طبقات حاکم برای تحمیق و خدیرتودمهات تبدیل میشود، و مردم را به تسلیم و تمکین دعوت می نماید.»

۳- «گویگری از توسعه» یعنی تفریبتی در بین طبقات مختلف اجتماع خاصه جوانان، یا توجیه به خواستهای منطقی و ملی آنان»

۴- «و حتی غلوئی» مردم دردی است که همیشه حکومتها میگذانند با مردم آزان نالیدند. اما امروز مردم مردم گران بی تفاوت نیستند و آنچه که از سوی آنها به پی غلوئی تعبیر میشود در حقیقت مقاومت منفی مردم و نشانه بی اعتمادی جوانان، یا توجیه به خواستهای منطقی و ملی آنان»

۵- انتشار اعلامیه های ضد تبلیغی از طرف گروهها و مراجع مختلف مخالف که حدی که علانند این نوع اعلامیهها راخته و گویک نماید.

۶- تاسیس یک ادیوئی مخفی و احتیاطا «ساز» موج توسط پارازیت در پوشش مخالفت با دولت ...

۷- چنانکه می بینید، دشمن ضد خلق بهر حیله ای برای برانگیز کردن صفوف مردم و مخدوش کردن مرزها در ذهن مردم ایجاد تشتت در جبهه مخالف و به جان هم انداختن آنها دست میزند از تشکیل گروههای مخفی با مرامهای مختلف. تا جعل اعلامیه و تاسیس ایستگاه رادیو بدون شک این شیوه ها که از نظر ایستگسی تجربه های آزموده شده ای هستند پس از انقلاب هم چنانکه شاهد هستیم توسط ابادی و سرپرستار گانژش دنبال شد. گروههای سازمانهای با سلاطه اسلامی و «انقلابی» که معلوم شد از کجا آمده اند مثل فارچ از زمین رویندند. سازمان کبهاسان انقلاب اسلامی که یاد معرف صورتان هست. یک نمونه از این فاش است. اوضاع شتنجوشی و فراموش کردن جملندته رژیمه، کشکهای طبیعی، با چگونگی نتوانند اتفاق ای بدین نقشه قبلی باشد؟ آلن؟ هم این گروههای به اصطلاح مخفی دست ساز توسط اند در زیر پوشش و هدایت و عظامات «ارتجائی» ترسین دیدگاهها و بواعع رایجی کجند خود را علیه نیروها و سازمانهای اصول و مستورین تحریک نمایند. آیا این همه مشاهدتهای اوضاع و احوال و اوضاع زمان شاه هراس آور نیست؟ و نباید بدانشانه های فاطمی از فعال بودن کانون های طوفان امپریالیستی در سبب احصای آب و پااقوف و به این اوجت مسلوبت بار دار با فعال سرشت این انقلاب و خوشی های که نشانگان شده و چندان نمی کند؟

۱- خشکی کردن فعالیتهای تبلیغاتی و خلاصه سامنت ارتقا لیت آنها.

۲- گویایم وقت به این نکته کمتر نی افتد که اصلا چرا تبلیقات عوامل با اصلاح فریبکار و بین مردم میگردد؟ آیا خواجه است که بیان مردم در دست است؟ این مرتجعین تاریخ عواره گمان میکنند که «سامنت ارتقا لیت» چاره کار است و مشکلات رامیتوانند حل کند.

۳- خشکی کردن فعالیتهای تبلیغاتی و خلاصه سامنت ارتقا لیت آنها.

۴- گویایم وقت به این نکته کمتر نی افتد که اصلا چرا تبلیقات عوامل با اصلاح فریبکار و بین مردم میگردد؟ آیا خواجه است که بیان مردم در دست است؟ این مرتجعین تاریخ عواره گمان میکنند که «سامنت ارتقا لیت» چاره کار است و مشکلات رامیتوانند حل کند.

۵- انتشار اعلامیه های ضد تبلیغی از طرف گروهها و مراجع مختلف مخالف که حدی که علانند این نوع اعلامیهها راخته و گویک نماید.

۶- تاسیس یک ادیوئی مخفی و احتیاطا «ساز» موج توسط پارازیت در پوشش مخالفت با دولت ...

۷- چنانکه می بینید، دشمن ضد خلق بهر حیله ای برای برانگیز کردن صفوف مردم و مخدوش کردن مرزها در ذهن مردم ایجاد تشتت در جبهه مخالف و به جان هم انداختن آنها دست میزند از تشکیل گروههای مخفی با مرامهای مختلف. تا جعل اعلامیه و تاسیس ایستگاه رادیو بدون شک این شیوه ها که از نظر ایستگسی تجربه های آزموده شده ای هستند پس از انقلاب هم چنانکه شاهد هستیم توسط ابادی و سرپرستار گانژش دنبال شد. گروههای سازمانهای با سلاطه اسلامی و «انقلابی» که معلوم شد از کجا آمده اند مثل فارچ از زمین رویندند. سازمان کبهاسان انقلاب اسلامی که یاد معرف صورتان هست. یک نمونه از این فاش است. اوضاع شتنجوشی و فراموش کردن جملندته رژیمه، کشکهای طبیعی، با چگونگی نتوانند اتفاق ای بدین نقشه قبلی باشد؟ آلن؟ هم این گروههای به اصطلاح مخفی دست ساز توسط اند در زیر پوشش و هدایت و عظامات «ارتجائی» ترسین دیدگاهها و بواعع رایجی کجند خود را علیه نیروها و سازمانهای اصول و مستورین تحریک نمایند. آیا این همه مشاهدتهای اوضاع و احوال و اوضاع زمان شاه هراس آور نیست؟ و نباید بدانشانه های فاطمی از فعال بودن کانون های طوفان امپریالیستی در سبب احصای آب و پااقوف و به این اوجت مسلوبت بار دار با فعال سرشت این انقلاب و خوشی های که نشانگان شده و چندان نمی کند؟

نمونه یک اعلامیه جعلی با هدف لووت کردن جمهوری اسلامی

روز بروز، در صورتیکه روی سخن ما باشد «تکذیب و انکار» باسنادان نامه می نویسید، برادران خبرنگاران هیچگونه انحرافی از باسنادان مستقر در مجلس خبرگان ندانند چرا که خوب میدانند آنها توسط چه کسانی تحریک و تشویق میشوند، هایشان که گاهانه، ضرب و شتم برادر مارا با اینکه تکذیب کردن میر میزاید میزند، و با اعلامیه ای «از طرف آنها» همه باسنادان را بر ملا و مستزاج میزند. در حالی که ما هیچگاه خلافها و اشتباهات فردی برخی از برادران باسناد مستورات اصحیحی را که از «بالا» می رسد محاسبه کل باسنادان و تک آنها نمیکند و در این عمل نظار افکارانه از طرف هر کس که باشد محکوم می کنیم.

۱- خشکی کردن فعالیتهای تبلیغاتی و خلاصه سامنت ارتقا لیت آنها.

۲- گویایم وقت به این نکته کمتر نی افتد که اصلا چرا تبلیقات عوامل با اصلاح فریبکار و بین مردم میگردد؟ آیا خواجه است که بیان مردم در دست است؟ این مرتجعین تاریخ عواره گمان میکنند که «سامنت ارتقا لیت» چاره کار است و مشکلات رامیتوانند حل کند.

۳- خشکی کردن فعالیتهای تبلیغاتی و خلاصه سامنت ارتقا لیت آنها.

۴- گویایم وقت به این نکته کمتر نی افتد که اصلا چرا تبلیقات عوامل با اصلاح فریبکار و بین مردم میگردد؟ آیا خواجه است که بیان مردم در دست است؟ این مرتجعین تاریخ عواره گمان میکنند که «سامنت ارتقا لیت» چاره کار است و مشکلات رامیتوانند حل کند.

۵- انتشار اعلامیه های ضد تبلیغی از طرف گروهها و مراجع مختلف مخالف که حدی که علانند این نوع اعلامیهها راخته و گویک نماید.

۶- تاسیس یک ادیوئی مخفی و احتیاطا «ساز» موج توسط پارازیت در پوشش مخالفت با دولت ...

۷- چنانکه می بینید، دشمن ضد خلق بهر حیله ای برای برانگیز کردن صفوف مردم و مخدوش کردن مرزها در ذهن مردم ایجاد تشتت در جبهه مخالف و به جان هم انداختن آنها دست میزند از تشکیل گروههای مخفی با مرامهای مختلف. تا جعل اعلامیه و تاسیس ایستگاه رادیو بدون شک این شیوه ها که از نظر ایستگسی تجربه های آزموده شده ای هستند پس از انقلاب هم چنانکه شاهد هستیم توسط ابادی و سرپرستار گانژش دنبال شد. گروههای سازمانهای با سلاطه اسلامی و «انقلابی» که معلوم شد از کجا آمده اند مثل فارچ از زمین رویندند. سازمان کبهاسان انقلاب اسلامی که یاد معرف صورتان هست. یک نمونه از این فاش است. اوضاع شتنجوشی و فراموش کردن جملندته رژیمه، کشکهای طبیعی، با چگونگی نتوانند اتفاق ای بدین نقشه قبلی باشد؟ آلن؟ هم این گروههای به اصطلاح مخفی دست ساز توسط اند در زیر پوشش و هدایت و عظامات «ارتجائی» ترسین دیدگاهها و بواعع رایجی کجند خود را علیه نیروها و سازمانهای اصول و مستورین تحریک نمایند. آیا این همه مشاهدتهای اوضاع و احوال و اوضاع زمان شاه هراس آور نیست؟ و نباید بدانشانه های فاطمی از فعال بودن کانون های طوفان امپریالیستی در سبب احصای آب و پااقوف و به این اوجت مسلوبت بار دار با فعال سرشت این انقلاب و خوشی های که نشانگان شده و چندان نمی کند؟